

عباس ملکی^۱

کشورهای نو پدید دریای خزر برای توسعه اقتصادی خود نیاز بسیار زیادی به بهره‌برداری از منبع هیدروکربوری خود دارند. به علاوه، ارزان بودن منابع مزبور در سطح جهان در قیاس با دیگر منابع تولید نیرو و همچنین تلاش طبیعی کسانی در سطح جهان که ادامه حیات آنان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بستگی به بهره‌برداری از منابع مزبور دارد شرایطی را فراهم آورده است که نمی‌توان بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری در دریای خزر را کنار گذاشت. از سوی دیگر نیاز ایران به بهره‌برداری از منابع نفت و گاز طبیعی از منابع بسیار غنی جنوب کشور، درون و برون ساحلی، تأمین می‌شود. در مقابل بخش قابل توجهی از فعالیتهای کشاورزی، شیلات و همچنین فعالیتهای اقتصادی مرتبط با گردشگری در استان‌های حاشیه دریای خزر به حفظ محیط زیست این دریا بستگی دارد. به‌لحاظ این که ایران با برخورداری از منابع نفتی در خلیج فارس و بهره‌برداری از آن نیاز جدی به بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری دریای خزر (حداقل در حال حاضر) ندارد می‌تواند با اتخاذ رفتاری تا حد امکان مساعد در زمینه نیاز دیگر دولتها به بهره‌برداری از این منابع، محیط دوستانه‌تری در منطقه به‌وجود آورد. این مقاله ابعاد مختلف مسایل مربوط به دریای خزر را مطالعه می‌نماید.

مقدمه

دریای خزر از دیرباز منطقه‌ای مهم برای کشورهای ساحلی به‌منظور صید انواع ماهی بوده است. از نظر تولید ماهیان خاویاری بیشترین میزان تولید جهانی در انحصار این حوزه آبی است. به‌علاوه، از نظر ذخایر نفت خیز گفته می‌شود پس از خلیج فارس و سیبری، در مرتبه سوم قرار دارد. از طرف دیگر، از خلیج قره‌بغاز در ترکمنستان انواع نمکهای معدنی استحصال می‌شود. آب این دریا نیز در برخی از کشورهای ساحلی برای مصارف عمومی و صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این جنبه‌های مهم اقتصادی که ذکر شد دریای خزر در طول تاریخ دو کارکرد مهم اقتصادی دیگر نیز داشته است.

۱. آقای عباس ملکی رئیس مؤسسه مطالعات دریای خزر است. این مقاله برگرفته از پروژه تحقیقی مؤسسه مطالعات دریای خزر با دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی می‌باشد.

کارکرد اول این که به عنوان یک وسیله ارتباطی و شبکه عظیم حمل و نقل دریایی میان کشورهای ساحلی عمل می‌کند و به این ترتیب سرزمین‌ها و مناطق مختلف را به هم مرتبط می‌سازد. امروزه، نقش مزبور با توجه به جنبه‌های گردشگری، بخصوص در سواحل جنوبی و جابجایی مسافر در طول و عرض این دریا اهمیت بیشتری یافته است.

شبکه راههای دریایی بین بنادر مهم آن از قبیل باکو، لنکران، ماهاجقلعه، آستراخان، گوریف، ترکمنباشی، نوشهر، انزلی و آستارا برقرار است. اگرچه خزر دریایی بسته است، اما شبکه راههای آبی آن از طریق رودها و کانالهای آبی واقع در روسیه با دریای آزوف، دریای سیاه و دریای بالتیک ارتباط دارد. حمل و نقل لوله‌ای از مسیر بستر دریا نیز یکی از شیوه‌های حمل و نقل نفت در دریاست که امروزه به خاطر تهدیدات زیست‌محیطی با مخالفت بعضی از کشورهای ساحلی روبرو است.

کارکرد دوم دریای خزر وجود منابع ذخیره مورد نیاز بشر به میزان تقریباً پایان‌ناپذیر و تجدیدشونده، مانند ماهی و انواع مرغان و پرندگان مهاجر در کنار منابع عملاً دست نخورده و ثروتهای معدنی و هیدروکربورها در این دریاست. در واقع، اگر در دریای خزر به منافع مشترک کشورهای ساحلی اعتقاد داشته باشیم، آن چیزهایی که اشاره شد باید در چارچوب این منافع مورد بهره‌برداری قرار گیرد، در حالی که اکنون و به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، شتاب برخی از کشورهای ساحلی این دریا برای انواع بهره‌برداری‌های اقتصادی به گونه‌ای است که طبق شواهد موجود در آینده‌ای نه‌چندان دور انواع موجودات دریایی و پرندگان مهاجر در معرض تهدید انقراض قرار خواهند گرفت^(۱) و دریای خزر به دریایی مرده بدل خواهد شد.

بدیهی است در چنین شرایطی باید نگرش کشورها در زمینه بهره‌برداری از منابع دریا به یکدیگر نزدیک شود و تنها چنین رویکردی می‌تواند منافع کشورهای مزبور را در بلندمدت حفظ کند. در این زمینه ضرورت دارد دولتهای ساحلی هر چه سریعتر در مورد تدوین یک نظام حقوقی جامع اقدام کنند، که ناظر و دربرگیرنده مسایل زیست‌محیطی نیز باشد. زیرا وجود نظام

حقوقی کمک می‌کند که حقوق و تکالیف دولتهای ساحلی در بهره‌برداری از این حوزه آبی و حفظ آن بهتر و دقیقتر مشخص گردد و از وارد آمدن خسارت و بروز فاجعه در منطقه جلوگیری شود. اما در مرحله کنونی اختلافهای دولتهای ساحلی دریای خزر به گونه‌ای است که دستیابی به یک نظام حقوقی جامع مورد قبول همه طرف‌ها کار ساده‌ای نیست و به نتیجه رسیدن آن نیاز به زمانی دارد که نمی‌تواند چندان هم کوتاه باشد. از سوی دیگر، خساراتی که به واسطه فعالیتهای اقتصادی دولتهای ساحلی به محیط زیست این دریا وارد می‌آید خود زیانهای اقتصادی دیگری، مانند نابود شدن منابع ماهی و جاذبه‌های گردشگری و زندگی اقتصادی وابسته به آنها، را در پی دارد که منتظر شکل گرفتن نظامی حقوقی نمی‌ماند. بنابراین، تلاش برای حفظ محیط زیست دریای خزر نباید موقوف به شکل گرفتن نهایی نظام مزبور بشود.

الف) مساعی دولتهای ساحلی در روشن ساختن وضعیت حقوقی دریای خزر

خطری که پس از فروپاشی شوروی و در غیاب یک نظام حقوقی مورد قبول همه دولتهای ساحلی، کشورهای این منطقه را تهدید می‌کند توسل یا تهدید توسل به اقدامات نظامی برای دستیابی به هدفهای سیاسی است. سه کشور ساحلی، که در زمان انعقاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ وجود خارجی نداشتند و در نتیجه ناوگان مستقلی متعلق به آنها در این دریا نبود، امروزه اقدام به ایجاد نیروی دریایی و تقویت آن کرده‌اند و به این ترتیب هزینه‌های نظامی آنها بشدت افزایش پیدا کرده است. این نکات نشان می‌دهد که مقابله با نظامیگری و روشن شدن وضع حقوقی، به‌ویژه با توجه به خطرهایی که محیط زیست این منطقه را تهدید می‌کند، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین دولتهای ساحلی باید متوجه خطرهای احتمالی نظامیگری در منطقه باشند و تا حد امکان از حرکت بدین سمت خودداری کنند. در مورد نیاز به آمادگی نظامی جهت حفظ امنیت ملی نیز یک سلسله اقدامهای هماهنگ صورت گیرد و تلاش شود همکاری در این زمینه میان دولتهای ساحلی تقویت گردد. این همکاری، به‌رغم وجود

اختلاف در مورد نظام حقوقی دریای خزر، عملی است. زیرا دولتهای ساحلی، با وجود اختلاف مزبور، در جهت روشن ساختن وضع حقوقی دریای خزر تلاش به عمل آورده‌اند.

۱. عوامل دارای اثر منفی بر روند روشن ساختن وضع حقوقی

با توجه به اهمیت منابع نفتی برون ساحلی، آذربایجان نوعاً خواهان تقسیم در امتداد مرزهای ملی است که نظارت بر تقریباً یک پنجم منابع زیر بستر، خود بستر و حجم آب آن به هریک از کشورهای منطقه تعلق می‌گیرد. آذربایجان درگیر اختلافات با ترکمنستان و ایران بر سر ادعاهای رقیب در مورد حوزه‌های همپوش نفتی است. آذربایجان با ترکمنستان بر سر مناطق کیاپاز سردار^۱، خزر و عثمان اختلاف دارد. این دولت به اقدام ایران در مورد اعطای اجازه به رویال داچ شل و لاسمو برای بررسی‌های لرزه‌نگاری در منطقه‌ای که آن را در محدوده سرزمین آذربایجان می‌داند اعتراض کرده است. در ژوئیه ۲۰۰۱، هنگامی که یک کشتی نظامی جمهوری اسلامی ایران به یک کشتی شرکت بریتیش پترولیوم، که اجازه یافته بود به اکتشاف در آراز^۲، آلوی^۳ و چراغ بهردازد، دستور داد منطقه را ترک گوید، تنش در بخش جنوب دریای خزر شعله‌ور شد. زیرا دولت ایران آن منطقه را، که البرز می‌نامد، قسمتی از سرزمین خود در دریای مزبور می‌داند.^(۲)

روسیه و قزاقستان از این نظر حمایت می‌کنند که هر کشور در بخش مربوط به خود از حقوقی در مورد منابع زیر بستر آن برخوردار است، در حالی که بستر دریا و آب آن در مالکیت مشترک است. ترکمنستان چند بار موضع خود را، به منظور بهترین استفاده از منابع هیدروکربور شرق این منطقه، تغییر داد. البته ترکمنستان تنها کشوری نیست که تغییر موضع داده است. کشورهای ساحلی دیگر نیز برای انطباق با جو تجاری و سیاسی به چنین کاری دست زده‌اند.

1. Kyapaz - Serdar

2. Araz

3. Aloy

اغلب گفته می‌شود که پیش از به حرکت درآمدن روند توسعه دریای خزر لازم است مسأله وضع حقوقی حل شود.^(۳)

دولت ایران تأکید دارد که معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی، که خواهان سهم‌بری مشترک از منابع دریای خزر میان دو کشور است، همچنان اعتبار دارد. ایران، توافق‌های دوجانبه در مورد استفاده از دریای خزر را بی‌اعتبار می‌داند و ترجیح می‌دهد که دولت‌های ساحلی بر اساس اجماع از دریای خزر استفاده کنند. به موجب این نظر، به اصطلاح رویکرد «اداره مشترک»، توسعه دریای خزر را همه دولت‌های ساحلی به‌طور مشترک به عهده خواهند گرفت. جمهوری اسلامی ایران خواهان آن است تا زمانی که وضع حقوقی دریای خزر مورد توافق همه دولت‌های ساحلی قرار گیرد، هرگونه توسعه نفتی خارج از ساحل به تصویب همه دولت‌های مزبور برسد.

ایران در صورتی تقسیم دریای خزر به بخش‌های ملی را می‌پذیرد که کف و آبهای آن به تساوی ۲۰ درصد برای هر کشور، تقسیم گردد. در غیر این صورت، هر کشور حقوقی نسبت به منطقه انحصاری اقتصادی در مورد منطقه موازی خط ساحلی خود داشته باشد و بقیه دریا به طور مشترک اداره شود. آذربایجان و قزاقستان بر اساس این استدلال که نظر دولت ایران با سنت‌های تاریخی پیوند ندارد آشکارا با آن مخالفت کرده‌اند. به هر حال، در صورتی که روش خط متساوی‌الفاصله، که مورد توافق قزاقستان، آذربایجان و روسیه است، استفاده شود سهم ایران از دریای خزر فقط ۱۲ تا ۱۳ درصد خواهد بود. به‌طور کلی، با وجود آن که در اغلب نوشته‌ها سعی می‌شود مشکل نهایی نشدن وضع حقوقی دریای خزر متوجه دولت ایران گردد اما در واقع مشکلات دیگری نیز مانع نهایی شدن این وضع بوده است. برای مثال، نخست‌وزیر پیشین قزاقستان، توکایف^۱ اعلام کرده بود که دولت مزبور براساس ملاحظات اقتصادی، یعنی یافته‌های مربوط به مواد هیدروکربور در آینده، اصلاح خط میانه را مدنظر قرار می‌دهد. این امر حکایت از

1. Tokayev

آن دارد که حتی خط میانه مورد توافق اکثر دولتهای منطقه نیز نمی‌تواند مانع از بروز اختلاف میان آنها شود.

یکی دیگر از این موانع که کم‌اهمیت هم نیست ادعاهای متقابل در مورد حوزه‌های همپوش در دریای خزر است. همانطور که اشاره شد آذربایجان، روسیه و قزاقستان در مورد تقسیم دریا براساس خط متساوی‌الفاصله در میانه دریا توافق کردند. ترکمنستان گرچه با تقسیم بستر دریا توافق اصولی دارد اما با روش اشاره شده موافق نیست.^(۴) به‌علاوه، مسأله بالقوه دشوار تقسیم حوزه‌های نفت و گاز طبیعی که در مرزهای برون ساحلی همپوش می‌شوند هنوز حل نشده است.

عدم توافق میان آذربایجان و ترکمنستان در مورد نحوه تقسیم دریا اختلاف‌های دیگری را نیز بر سر مالکیت حوزه موضوع اختلاف به‌وجود آورد. ترکمنستان مدعی است که حوزه‌های آذری و چراغ، که این دولت به ترتیب خزر و عثمان می‌نامد، در آبهای سرزمینی آن قرار گرفته است و در ژوئیه سال ۲۰۰۱ از آذربایجان خواست همه فعالیت‌هایی را که در این حوزه انجام می‌دهد به حالت تعلیق درآورد. در اوت این سال آذربایجان اعلام داشت که هیچ ادعایی را نمی‌پذیرد که هدف آن خنثی ساختن تحقق حقوق حاکمیتش در بخش مربوط در آذربایجان باشد.^(۵)

به هر حال، با وجود این تنش‌ها، نیاز کشورهای تازه استقلال یافته ساحل دریای خزر به بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری برای استفاده از درآمدهای آن جهت تأمین رشد اقتصادی سبب شده است که همکاری و هماهنگی‌هایی نیز میان کشورهای ساحلی، بجز ایران، شکل بگیرد.

۲. عوامل یاری‌دهنده به روند روشن ساختن وضع حقوقی

۱-۲. نیاز دولت‌های نوپدید: امید آذربایجان برای رشد اقتصادی آینده متکی به توسعه موفقیت‌آمیز منابع نفت و گاز در منطقه دریای خزر است. صدور نفت خام و محصولات نفتی

بیش از ۷۰ درصد صادرات آذربایجان را تشکیل می‌دهد و درآمدهای مرتبط با نفت نزدیک به ۵۰ درصد درآمدهای بودجه را شامل می‌شود. در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۹ علیف، رئیس جمهوری آذربایجان، فرمانی صادر کرد که به موجب آن، جهت استفاده از پول حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی مرتبط با نفت در آموزش و پرورش، کاهش فقر و افزایش استانداردهای زندگی روستاییان آذربایجان، یک صندوق دولتی نفت تشکیل شد.

آذربایجان ۱/۲ میلیارد بشکه ذخیره نفتی تأیید شده و همچنین ذخایر عظیم در حوزه‌های برون ساحلی در دریای خزر دارد. این کشور در سال ۲۰۰۱ استخراج نفت خود را به ۳۱۱۲۰۰ بشکه در روز رساند. هشتاد درصد تولید نفت آذربایجان در حال حاضر از حوزه‌های برون ساحلی به دست می‌آید که درصد مهمی از آن از حوزه کم‌عمق گونشلی^۱ در فاصله ۶۰ مایلی ساحل آذری^۲ استخراج می‌شود. توسعه حوزه‌های جدید از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک و موافقتنامه‌های سهیم شدن در تولید در دریای خزر احتمالاً تولید نفت آذربایجان را نسبت به اوج قبلی خود بسیار بالاتر خواهد برد، با این پیش‌بینی که صدور نفت آذربایجان می‌تواند به ۱ میلیون بشکه در روز در ۲۰۱۰ و ۲ میلیون بشکه در روز در عرض ۲۰ سال برسد. از نوامبر ۱۹۹۷ تا پایان ۲۰۰۱ شرکت عامل بین‌المللی آذربایجان، کنسرسیومی مرکب از ۱۰ شرکت انرژی، جمعاً ۱۳۳/۵ میلیون بشکه نفت تولید کرده است که قسمت اعظم آن به سکوی چراغ مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد افزایش بسیار زیاد تولید آذربایجان در دهه آینده از توسعه حوزه‌های آذری، چراغ و بخشهای ژرف گونشلی به دست خواهد آمد.

تولید گاز طبیعی برون ساحلی آذربایجان ۲۱ برابر تولید آن در خشکی است. توان بالقوه گاز طبیعی کشور به توسعه حوزه‌های گازی طبیعی نخجوان گونشلی و شاه‌دنیز^۳ در دریای خزر وابسته است. آذربایجان، در یک تلاش برای صدور ۴۰۰۰۰ بشکه نفت بیشتر، در سال ۲۰۰۰

1. Gunashli

2. Azeri

3. Shah Deniz

تصمیم گرفت که نیروگاههای برق خود را از نفت سوز به گاز سوز بدل کند.

قزاقستان رشد اقتصادی تأثیرگذاری را تجربه کرده که با افزایش صدور نفت هدایت می شود. محرک اصلی در پس رشد اقتصادی قزاقستان سرمایه گذاری خارجی، به طور عمده در صنایع نفت و گاز بوده است. طبق گفته وزیر اقتصاد و تجارت این کشور، تقریباً ۳۰ درصد درآمد بودجه دولت از صنایع نفت بوده است. نفت نیمی از صادرات قزاقستان را تشکیل می دهد. ذخایر مواد هیدروکربوری قزاقستان، اعم از درون یا برون ساحلی، بین ۳۰ تا ۵۰ میلیارد بشکه برآورد می شود که بیشتر آن در بخش مربوط به قزاقستان در دریای خزر است. تولید نفت قزاقستان طی شش سال گذشته دوبرابر شده و از ۱۹۹۸ هر سال تقریباً ۱۸ درصد افزایش داشته است. انتظار می رود تولید نفت این کشور به ۱/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۵ و ۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ برسد و در سال ۲۰۱۵ مقدار آن به ۲/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد.

اقتصاد ترکمنستان بشدت به تولید نفت و گاز طبیعی وابسته است. در چند سال گذشته نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آن دورقمی بوده است. برای مثال، این نرخ در سال ۲۰۰۱ معادل ۱۸ درصد بود. ترکمنستان هنوز گامی در جهت تنوع بخشیدن به اقتصاد خود برای کاستن از وابستگی به صدور منابع طبیعی برنداشته است. تولید نفت این کشور در چند سال گذشته به طور چشمگیری افزایش پیدا کرد به طوری که در سال ۲۰۰۱ مقدار ۱۵۹ هزار بشکه در روز تولید داشت؛ در حالی که مصرف آن ۲۵ هزار بشکه در روز بود. این دولت در نظر دارد که تولید نفت خام خود را تا سال ۲۰۱۰ به حدود ۱ میلیون بشکه در روز برساند.^(۶)

نیازهای دولتهای فوق، که به آن اشاره شد، همراه با عوامل دیگری، که در مبحث توافقیهای شکل گرفته در منطقه در این مقاله مدنظر قرار می گیرند، موجب گشت که با وجود اختلافهایی که پیشتر به آنها اشاره رفت چهار دولت حوضه خزر پدید آمده از فروپاشی شوروی به سمت توافقیهای موردی دوجانبه پیش بروند.

۲-۲. نیاز ایران: با توجه به میزان ذخایر نفت و گاز طبیعی که در کشور ایران قرار دارد و چگونگی توزیع آنها، که در زیر بدان اشاره می‌شود، نیاز کشور ما به این ماده نقش جلب‌کننده همکاری با دیگر دولتهای ساحلی دریای خزر را ایفا نکرده است.

ایران دومین تولیدکننده در اوپک است و با ۹۰ میلیارد بشکه ذخایر ثابت شده نفت، حدود ۹ درصد کل نفت جهان را در اختیار دارد و اقتصاد ایران نیز بشدت به درآمدهای ناشی از صدور نفت بستگی دارد. حدود ۸۰ درصد کل درآمدهای ناشی از صادرات، ۴۰ تا ۵۰ درصد بودجه دولت و ۱۰ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی به این فعالیت وابسته است. اما قسمت اعظم ذخایر نفت خام کشور ایران در حوزه‌های خشکی در منطقه جنوبی در خوزستان و حوزه‌های برون‌ساحلی در خلیج فارس قرار دارد.

ایران در دریای خزر نیز ذخایر مهمی دارد که شامل ۱۵ میلیارد بشکه نفت و ۱۱ تریلیون پای مکعب (حدود ۳۰۰ میلیارد متر مکعب) گاز طبیعی می‌شود. در حال حاضر دولت ایران در منطقه دریای خزر تولید نفت و گاز طبیعی ندارد.^(۷) با وجود اهمیت ذخایر نفت و گاز متعلق به ایران در دریای خزر، این ذخایر قابل قیاس با آن چه ایران می‌تواند در جنوب کشور و خلیج فارس مورد بهره‌برداری قرار دهد نیست. لذا، از این نظر ایران بر خلاف دیگر دولتهای ساحلی خزر نیاز چندانی به منابع هیدروکربوری این منطقه ندارد، هرچند از ابعاد اقتصادی دیگری به دریای خزر نیاز دارد.

مساحت ناحیه ساحلی کشور ایران در جنوب دریای خزر ۵۹۲۶۳۰۰ هکتار است. براساس آمارهای سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) از این مقدار ۲۲۳۶۶۰۲ هکتار (۳۷/۷ درصد) مرتع، ۱۹۸۲۰۶۶ هکتار (۳۳/۵ درصد) جنگل، ۱۱۴۲۰۰۰ هکتار (۱۹/۳ درصد) زمین کشاورزی و ۵۶۵۶۳۲ هکتار (۹/۵ درصد) برای دیگر مصارف است. حوزه آبریز رودخانه‌ای ایران در این ناحیه ۱۷۷۰۰۰ کیلومتر مربع است که ۱۱ درصد کل حوزه آبریز رودخانه‌ای کشور در ۸ استان و ۷ درصد کل حوزه آبریز رودخانه‌ای دریای خزر را تشکیل می‌دهد. آب ۸۶۴ رودخانه دائم و

فصلی وارد این حوزه آبریزی می‌شود که حجم آب آن در مجموع معادل ۵ درصد کل آبریزی رودخانه‌هایی است که به دریای خزر می‌ریزند. هرچند این مقدار جزء کوچکی از حوزه آبریزی کل دریای خزر را تشکیل می‌دهد اما بخش قابل توجهی از حوزه آبریز کل کشور است.

از نظر کشاورزی، زمین‌های زیر کشت کشور براساس برآوردهای سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) معادل ۱۸۲۱۵۰۰۰ هکتار بوده که ۱۱۴۳۰۰۰ هکتار آن (۶/۰۳ درصد از تمام زمین‌های زیرکشت در کشور) در حاشیه دریای خزر قرار گرفته است. از لحاظ صنعتی، در کل ناحیه ۲۰۹۹۹ واحد صنعتی وجود دارد که ۶۵۰۰ واحد آن ساحلی و بقیه غیرساحلی‌اند.

در زمینه گردشگری آمار سال ۱۹۹۸ نشان می‌دهد در سراسر منطقه ۶۲ هتل با ۲۴۸۲ اتاق و ۴۹۶۲ تخت بود. همچنین در سال ۱۹۹۶ تعداد ۳۲۵۴۷۷ گردشگر از این ناحیه دیدن کردند که ۳۱۸۷۱۶ نفر آنها ایرانی و ۶۷۶۱ نفر آنها خارجی بودند. از نظر صید ماهی نیز طی سالهای اخیر نرخ صید ماهی خاویار بشدت کاهش یافته که علت آن صید بیش از حد، به‌ویژه در بخش شمالی دریای خزر و همین‌طور آلودگی و نابود شدن سکونت‌گاههای طبیعی و حوزه‌های تخم‌گذاری است. علت‌های اصلی این آلودگی و نابود شدن سکونت‌گاهها عبارت است از احداث سد بر روی رودخانه‌ها که حوزه‌های تخم‌گذاری را نابود می‌کند و کاهش می‌دهد، درجه حرارت و نظام آب‌شناسی رودخانه‌ها را دگرگون می‌سازد و با گرفتن و بیرون ریختن آب بر بستر رودخانه و محیط زیست آن اثر می‌گذارد؛ استخراج معادن ماسه که مسیر رودخانه را تغییر می‌دهد و آب را آلوده می‌سازد و تیرگی آب را افزایش می‌دهد؛ فاضلاب صنعتی و آلودگی نفتی.

صید ماهیان استخوانی نیز از سال ۱۹۹۳ به این سو کاهش نشان می‌دهد. آمارها حاکی از آن است که از ۱۹۰۰ تا ۱۹۹۴ میزان صید نسبت به هر واحد تلاش برای صید از ۴۰۶ کیلو به ۲۰۵ کیلو کاهش پیدا کرده است که ۵۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.^(۸) با توجه به شرایط اشاره شده نیاز اقتصادی ایران سبب می‌شود که با مدنظر قرار دادن موازین حفظ محیط زیست دریای خزر، همانند دیگر دولتهای ساحلی، به سمت همکاری و هماهنگی هرچه بیشتر در زمینه روشن

شدن وضع حقوقی خزر حرکت کنیم.

۳. توافقی‌های شکل‌گرفته در منطقه

در حالی که توافقی رسمی میان پنج دولت ساحلی دریای خزر در مورد نظام حقوقی آن وجود ندارد، چند دولت توافق‌های دوجانبه را برای روشن شدن مواضع خود به عمل آورده‌اند. در سال ۱۹۹۷، قزاقستان و آذربایجان توافق کردند که تا با امضای یک مقاوله‌نامه در مورد وضع حقوقی خزر مرزهای بخشهای خود را در امتداد خط میانه قرار دهند. در همین سال، قزاقستان و ترکمنستان اعلامیه مشترکی صادر کردند که در آن قول دادند تا زمان توافق دولتهای ساحلی در مورد یک وضعیت حقوقی جدید برای خزر بخشهای مربوط خود را در امتداد خط میانه، مبتنی بر تقسیمات زمان شوروی، تقسیم کنند.

در ژوئیه ۱۹۹۸، قزاقستان و روسیه موافقتنامه دوجانبه‌ای را امضا کردند که بخش شمالی بستر دریای خزر را فقط در امتداد خط میانه بین دو کشور تقسیم می‌کرد. در حالی که آب آن، همراه با مسایل مربوط به کشتیرانی، ماهیگیری و محیط‌زیست در مالکیت مشترک باقی می‌ماند. براساس این موافقتنامه معاهدات میان ایران و روسیه، که به زمان دولت شوروی باز می‌گردد، تا هنگامی که یک موافقتنامه همه‌جانبه میان تمام دولتهای ساحلی خزر حاصل شود معتبر باقی می‌ماند. مانعی که بر سر راه نیل به این توافق میان روسیه و قزاقستان وجود داشت هنگامی برطرف شد که آنها در مورد توسعه مشترک ذخایر واقع در خط میانه توافق کردند.

در ژانویه سال ۲۰۰۱ رؤسای جمهوری‌های آذربایجان و روسیه اعلامیه مشترکی منتشر ساختند و به موجب آن توافق کردند بستر دریای خزر را تقسیم کنند اما کشتیرانی در سراسر آب مرزبور آزاد باشد. براساس این رویکرد «آب مشترک، کف دریای تقسیم شده» دریا می‌تواند «به بخشها و مناطق میان دولتهای همسایه و مقابل یکدیگر براساس یک خط میانه ترسیم شده بر مبنای فواصل مساوی از طرفین و اصلاحاتی بر پایه رضایت متقابل تقسیم شود».

آذربایجان قبلاً از تقسیم سطح، آب و بستر دریا پشتیبانی می‌کرد. در نوامبر ۱۹۹۸ آذربایجان و ترکمنستان بیانیهای صادر کردند که در آن توافق کردند دریا براساس خط میانه بین دو دولت تقسیم شود. اما در قسمتهایی که ترسیم خط مزبور اختلافی را در مورد برخی مناطق ایجاد می‌کرد توافق به عمل نیامد. ترکمنستان مکرر از آذربایجان خواسته است تا توافق در مورد وضع حقوقی خزر و ترسیم مرزها توسعه ذخایر مورد اختلاف را متوقف سازد. در کنفرانس سران دولتهای مستقل مشترک‌المنافع در نوامبر ۲۰۰۱ این دولت با قزاقستان یک موافقتنامه دوجانبه امضا کردند که بخشهای مربوط هر یک را در دریای خزر تعیین کردند.^(۹)

در مورد عوامل مؤثر بر توافقاتی که به دست آمده میان دولتهای ساحلی دریای خزر، جز ایران، علاوه بر نیاز دولتهای مزبور به بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری، احتمالاً پیشینه مشترک آنها به صورت سرزمینهایی که صدو هفتاد سال به اشکال مختلف تحت سلطه امپراتوری روسیه و دولت اتحاد شوروی بودند نیز تأثیر داشته است. زیرا این زیست طولانی با یکدیگر به مبانی سیاسی و اقتصادی و مفاهیم مشترکی میان آنها شکل داده است که رسیدن به توافق را برای آنها آسانتر می‌سازد. روسیه نیز حصول توافق با دیگر دولتهای تشکیل دهنده اتحاد شوروی، از جمله در دریای خزر، را در مجموع برای حفظ موقع خود مفید می‌بیند.

مجموعه عوامل یاد شده در کنار موضعگیری‌های دولت ایران، که می‌بایست با شرایط و امکانات موجود انطباق بیشتری بیابد، سبب دور شدن ایران از مجموعه دولتهای منطقه و جدا ماندن از آنها شده و امکان این تبلیغ سوء را فراهم آورده که ایران مانع مشخص شدن نظام حقوقی دریای خزر به شکل نهایی بوده است. نظامی که، با تأکید تبلیغ‌کنندگان مزبور، دستیابی به آن برای رسیدن به هرگونه توافق در حوزه‌های دیگر، از جمله بهره‌برداری از منابع دریای خزر، حفظ محیط زیست آن و تداوم حیات اقتصادی در این حوزه آبی، ضرورت اجتناب‌ناپذیر دارد. در چنین وضعی خطر آن وجود دارد که چهار دولت دیگر منطقه دریای خزر به توافق دست یابند و جمهوری اسلامی ایران را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. در حالی که دولت ایران

می‌تواند با شناخت دقیق شرایط و توانایی‌ها و اقدام براساس آنها حداکثر منافع ممکن در هر مرحله را برای خود تأمین کند.

در این زمینه، باید توجه داشت که به هر حال وجود مشترکات سیاسی، اقتصادی و جز آن، ناشی از پیشینه مشترک، در میان چهار دولت بازمانده از اتحاد شوروی در دریای خزر همان‌طور که دیدیم مانع از بروز اختلاف میان آنها نشد و بنابراین نمی‌توان آن را مانعی جدی در راه تلاشهای ایران جهت دست یافتن به راههایی برای رسیدن به توافقاتی موردی و تخفیف تنش در منطقه تلقی کرد. از سوی دیگر، همین پیشینه مشترک و امکاناتی که برای توافقاتی اشاره شده میان چهار دولت مزبور فراهم آورده است به عنوان یک تجربه قابل استفاده است. زیرا این نتیجه را به دست می‌دهد که اشتراک عمل، بالقوه می‌تواند در طول زمان به زمینه‌های مشترکی برای توافق میان ایران و دیگر دولت‌های ساحلی شکل دهد. لذا، ایران باید از تجربه توافقاتی حاصل شده در منطقه، برای فعالیت در زمینه رسیدن به پاره‌ای توافقات در خصوص مسایل مربوط به وضع حقوقی دریای خزر و ایجاد زمینه‌های کاهش تنش و افزایش همکاری و هماهنگی به‌ویژه در زمینه حفظ محیط زیست دریای خزر بهره‌گیرد. در این راستا، نیاز بیشتر دیگر دولت‌های ساحلی دریای خزر به منابع هیدروکربوری امکان عمل افزون‌تری را برای ایران در جهت جلب همکاری دولت‌های مزبور، به‌ویژه در زمینه حفظ محیط زیست دریای خزر که اهمیت زیادی برای ایران دارد، فراهم می‌آورد.

البته حفظ محیط زیست دریای خزر امری نیست که تنها برای دولت ایران حائز اهمیت باشد. دیگر دولت‌های ساحلی دریای خزر نیز به اشکال مختلف از خسارت دیدن محیط زیست دریای خزر لطمه می‌بینند. بنابراین حفظ آن یک نیاز و یک مسئولیت مشترک است.

ب) مسئولیت حفظ محیط زیست در بهره‌برداری از منابع

فقدان یک نظام حقوقی حاکم بر محیط زیست دریای خزر نمی‌تواند توجیه‌کننده آن

باشد که کشورهای ساحلی این دریا در اجرای قواعد بین‌المللی حاکم بر محیط زیست کوتاهی کرده و از آن غافل باشند. چراکه عوامل زیست محیطی دریای خزر از لحاظ تأثیرگذاری بر شرایط آب و هوایی مناطق همجوار، به‌طور کلی به گونه‌ای است که مجالی برای مسامحه و دفع‌الوقت دولتهای ساحلی باقی نمی‌گذارد.

۱. عوامل تهدیدکننده محیط زیست دریایی: هشدارهایی برای همکاری

عوامل گوناگونی محیط زیست حوزه دریای خزر را هدف گرفته است که هر یک از آنها می‌تواند به نحوی فرسایش ایجاد کند که در نهایت امکان بهره‌برداری از منابع دریا از همگان سلب شود و یا چنین کاری را بسیار پرهزینه گرداند. برخی از این عوامل از یکدیگر ناشی و منتهی به مراحلی می‌شوند که در نهایت می‌تواند با هدف‌ها و منافع کشورهای واقع در این حوزه تداخل کرد و مانع از تحقق آنها گردد.

انسانهای ساکن در حاشیه دریای خزر بخش کوچکی از تاریخ جهان را به خود اختصاص می‌دهند، اما تهدیدی عظیم و فوری نسبت به بوم سامانه خزر به وجود آورده‌اند. طبیعت می‌تواند از خود در برابر سطوح خاصی از آلودگی دفاع کند؛ اما هنگامی که فعالیت انسان میزان آلودگی را افزایش می‌دهد و در عین حال مانع از فرایندهای پاکسازی طبیعی زمین می‌گردد فاجعه زیست محیطی آغاز می‌شود. منابع اصلی تهدیدکننده محیط زیست دریای خزر عبارت است از: نوسانات سطح آب دریا و به‌ویژه بالا آمدن سطح آب در دهه اخیر، فعالیتهای نفتی و صنعتی. (۱۰)

۱-۱. نوسانات آب دریا: سطح آب دریای خزر طی دوره‌های مختلف نوسان داشته است. در دوره‌هایی این سطح بسیار پایین بوده و در دوره‌هایی دیگر بالا آمده است. این فرایند که همواره زمان‌بر بوده سبب بروز تغییرات زیست محیطی و دگرگونی در فعالیتهای اقتصادی حوزه این دریا شده است. یکی از ادوار بلند کاهش سطح آب دریای خزر که پس از دهه ۱۹۳۰ آغاز شد

مصادف با زمانی است که طرح‌های بزرگ صنعتی و کشاورزی شوروی به اجرا درآمدند. همچنین تغییر بستر برخی از رودخانه‌ها، ایجاد دریاچه‌های مصنوعی و سدها و آب‌بندها و افزایش فعالیت انسانها در این مناطق موجب کاهش سطح آب دریای خزر به پایین‌ترین میزان (۲۹ متر) تا سال ۱۹۷۷ شد. اما از سال ۱۹۷۸ برخلاف پیش‌بینی‌های قبلی مبنی بر ادامه روند کاهش سطح آب تا سال ۲۰۰۰ تراز آب دریا روند افزایش خود را آغاز کرد و به‌طور متوسط سالانه ۱۵ سانتیمتر به سطح آب اضافه شد. چنین وضعی تا سال ۱۹۹۵ ادامه داشت و از این سال پس روی آب خزر مشاهده شد.^(۱۱) به‌طور کلی از آنجا که روال و نوسانات افزایش سطح آب دریای خزر قابل پیش‌بینی نیست، بجز موارد معدودی امتیازات،^(۱۲) خسارات زیست‌محیطی و اقتصادی زیادی را به کشورهای ساحلی تحمیل کرده است. از جمله باعث انتقال مواد آلوده‌کننده صنایع و تولیدات نفتی در مناطق ساحلی به دریا و کاهش مواد غذایی ماهیان می‌شود در نواحی جنوبی دریای خزر زمینهای پست را زیر آب برده و مسایل مربوط به خشک کردن آنها را به وجود آورده است. هجوم آب دریا به مناطق ساحلی ساختمانهای متعدد و تعداد زیادی از مناطق مسکونی را نابود ساخته، مسایل مربوط به وارد شدن پسابها و فاضولات به دریا را ایجاد کرده، سطح آب زیرزمینی را بالا آورده، سبب شور شدن آنها و نابودی زمین‌های کشاورزی شده است، همینطور در پستی و بلندی زمین تغییر به وجود آورده، شیب هیدرولیک رودخانه‌ها را تغییر داده و مناطق جنگلی را در سواحل جنوب و جنوب غربی نابود ساخته است. در نواحی دیگر نیز هجوم آب به سواحل سبب نابودی حاشیه ساحلی و افزایش فرسودگی ساحلی به‌ویژه در زمین‌های پست (ترکمستان و قزاقستان) شد.^(۱۳)

دریای خزر سکونت‌گاه انواع زیادی از حیوانات و گیاهان است. افزایش سطح آب تهدیدی نیز برای سکونت‌گاههای حیوانات است. برای مثال، در سواحل جنوبی خساراتی به سکونت‌گاههای گیاهان و حیوانات وارد کرده است. به‌طور کلی افزایش سطح آب سبب زیر آب رفتن اراضی می‌شود که تهدیدی نسبت به سکونت‌گاههای طبیعی ساحلی است. کاهش سکونت‌گاههای پستانداران و انواع پرندگان جلگه‌ای بی‌تردید منجر به کاهش تعداد آنها می‌شود.

البته تهدید نسبت به سکونت‌گاهها فقط به‌خاطر افزایش سطح آب نیست. توسعه اقتصادی و افت کیفیت اجتماعی نیز در این زمینه دخیل است. توسعه اجتماعی منجر به افزایش تراکم جمعیت می‌شود که به نوبه خود احتمال دارد منابع طبیعی را کاهش دهد و فضولات بیشتری تولید کند. فعالیتهای اقتصادی استفاده‌های گوناگون از زمین را تشویق می‌کند و سبب افت کیفیت محیط زیست می‌شود. (۱۴)

برخی از محاسبات نشان می‌دهند که از سال ۱۹۷۷ سطح آب دریای خزر اندکی فروکش کرده است. در مقابل، تعداد دیگری از محاسبات حکایت از آن دارند که از سال ۲۰۰۳ افزایش سطح آب مورد انتظار است. این محاسبات براساس روشهای انتزاعی و مستقل از یکدیگر صورت گرفته است در نتیجه برآوردهای مختلفی از افزایش و کاهش سطح آب دریای خزر به دست داده‌اند. بنابراین علایم نادرستی را به برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورهای ساحلی منتقل می‌کنند و سمت‌گیری نادرستی را به این برنامه‌ها در حوزه ساحلی می‌دهند که می‌تواند نتایج اقتصادی و بوم‌شناختی نامناسبی داشته باشد. (۱۵)

۱-۲. مشکلات بوم‌شناختی: در سالهای اخیر میزان آلودگی و افزایش سطح آب تا حد خطرناکی با یکدیگر منطبق شده‌اند. تا یک دهه قبل علت اصلی آلودگی آبهای دریای خزر فاضلابهای صنعتی و فاضلابهای تغییر و تبدیل نشده‌ای بودند که به دریا ریخته می‌شدند. توسعه گسترده منابع هیدروکربور مشکلات بزرگتری را برای آینده مطرح می‌سازد، بخصوص که تولید هرچه بیشتر به نواحی برون مرزی و درون دریا منتقل می‌شود.

چشم‌اندازهای توسعه در دولتهای تازه استقلال یافته - قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان - عمدتاً براساس یک دید محدود در نظر گرفته شده‌اند و از جامعیت برخوردار نیستند. این دولتها توسعه ملی را به‌طور عمده در بخش انرژی و به ویژه یک بُعد از این بخش - یعنی صدور منابع هیدروکربوری - تعریف می‌کنند و حفظ محیط زیست در این دیدگاه جایگاه چندانی ندارد. در رویکرد این دولتها و همچنین شرکتهای نفتی برای بهره‌برداری از این منابع و

فرصت‌های تجاری مربوط به آن، فاجعه زیست‌محیطی اغلب فراموش می‌شود. این کار به رغم نابودی دریاچه آرال در نزدیکی همین منطقه صورت می‌گیرد. حادثه‌ای که آینه تمام‌نمای عاقبت یک‌چنین بی‌توجهی است. این نکته‌ای است که باید در فعالیتهای ایران برای ایجاد توافق درباره‌ی مسایل مربوط به منطقه مدنظر باشد و از راه‌های گوناگون تلاش کند دولتهای مزبور ابعاد زیست‌محیطی توسعه را در عملکردهای خود ملحوظ دارند.

آثار زیانبار زوال زیست‌محیطی دریای خزر را نباید ناچیز شمرد، بخصوص که سواحل خزر توان بالقوه غیرنفتی مهمی را نیز دارد. در مورد دولت ایران، منطقه دریای خزر با وجود آنکه تنها چهار درصد از کل خاک کشور را شامل می‌شود و هیچ‌گونه بهره‌برداری از منابع نفت و گاز واقع در این منطقه از جمله آبهای آن صورت نمی‌گیرد، در مقابل، ۴۰ درصد از فعالیتهای کشاورزی را به خود اختصاص داده است. همچنین در سراسر منطقه ساحلی، به‌ویژه در سمت ایران و روسیه، تعداد زیادی از مردم بیش از هر راه دیگری از طریق ماهیگیری زندگی می‌کنند. به‌علاوه، سواحل خزر باعث جذب گردشگرانی از مناطق مختلف می‌شود. اما با توجه به آلودگی در حال گسترش، مردمان کشورهای منطقه خزر در آینده به سختی خواهند توانست از منابع متکی به دریا - که هر کدام توانی بالقوه را برای رشد و توسعه ارائه می‌دهند - کماکان بهره‌برداری کنند. از سوی دیگر، روشن نیست که ثروتهای هیدروکربوری خزر و به‌ویژه تأکید بر صدور آن برای دولتهای تازه استقلال یافته یک بلاست یا یک نعمت.

روند رو به گسترش و بی‌رویه‌ی فعالیتهای لرزه‌نگاری، حفاری، اکتشاف، استخراج و احداث خط لوله نفتی در بستر دریای خزر و تردد نفتکش‌ها و ایجاد زمینه مساعد نشت نفت خام در هر کدام از این مراحل، بخصوص با توجه به زلزله‌خیز بودن منطقه، از فاجعه زیست‌محیطی در آینده نه‌چندان دور خبر می‌دهد.

در دو دهه‌ی اخیر با اکتشاف حوزه‌های جدید نفتی در بستر و سواحل دریای خزر بهره‌برداری از منابع هیدروکربور این منطقه افزایش چشمگیری داشته است. (۱۶) شرکتهای نفتی بدون توجه به موقعیت حساس زیست‌محیطی دریای خزر درصدد گرفتن سهمی بیشتر

در این منطقه‌اند، به طوری که تولید نفت کشورهای ساحلی (جز ایران) در سال ۱۹۹۷ به ۱۱۳۰۲۰۰ و در سال ۲۰۰۱ تقریباً به ۱/۳ میلیون در روز رسید و پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۰۵ به حدود ۲ میلیون و در سال ۲۰۱۰ به حدود ۲/۷ میلیون بشکه در روز برسد و در ۲۰۲۰ از ۶/۵ میلیون بشکه در روز تجاوز کند. در کنار این تخمین‌ها پیش‌بینی می‌گردد که اگر هیچ‌گونه اقدام پیشگیرانه‌ای صورت نگیرد، میزان آلودگی در سواحل دریای خزر به ۳/۵ تا ۴/۷ برابر میزان کنونی برسد.^(۱۷) جدول ۱ تولیدات نفت کشورهای حوزه دریای خزر و سهم آنها در آلاینده را نشان می‌دهد:

جدول ۱ - تولید نفت منطقه دریای خزر در مقابل درصد آلاینده‌ها در دریا (۱۹۸۸)

کشورها	تولید نفت (بشکه در روز)	سهم در آلاینده‌ها (به درصد)
جمهوری آذربایجان	۲۵۹۳۰۰	۳۰
ایران	.	.
قزاقستان	۶۰۲۱۰۰	۴۶
روسیه	۱۴۴۰۰۰	۱۰
ترکمنستان	۱۲۴۸۰۰	۱۴
مجموع	۱۱۳۰۲۰۰	۱۰۰

منبع: عباس عدل طباطبایی، «تأثیرات زیست محیطی مواد زاید نفت»، ترجمه سلاله حبیبی امین، مؤسسه مطالعات دریای خزر، منابع نفت و گاز، دبیر مجموعه سهراب شهابی (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱)، ص ۶۹.

جدول ۲ نیز درصد آلودگی نفتی ناشی از فعالیتهای تولید نفت را مشخص می‌سازد.

جدول ۲ - آلودگی نفتی که در اثر تولید نفت وارد دریای خزر

می‌شود

منابع	درصد
بالاست‌زدایی محموله	۷۰
پالایشگاه‌ها، مجموعه‌های پتروشیمی	۷
حوادث	۴
تولیدات برون ساحلی	۶
سایر منابع	۱۳
مجموع	۱۰۰

منبع: همان.

با توجه به ارقام فوق و ابعاد فزاینده آلودگی نفتی در نتیجه توسعه عملیات اکتشاف و استخراج نفت، بوم‌سامانه دریای خزر به‌طور جدی در معرض تهدید قرار گرفته است. علاوه بر آن خطوط لوله موجود در بستر دریا و آنهایی که قرار است در آینده کشیده شوند، با توجه به زلزله‌خیز بودن منطقه و حرکات گند تکنونیک و خطر نشت لوله‌ها بر مشکلات زیست‌محیطی دریای خزر می‌افزاید.

در مورد آثار آلوده‌کننده و زیست‌محیطی فعالیتهای نفتی در منطقه، ابعاد مختلفی را می‌توان مدنظر قرار داد. برای مثال، بهره‌برداری از ذخایر نفت و ساختن خطوط لوله در آلوده شدن حدود ۳۰۰۰۰ هکتار زمین سهم بوده است. تولید نفت، آلودگی شدید خاک و میزان بالای آلودگی دریای خزر را به دنبال داشته است. همچنین حدود ۳۵ منطقه ماهیگیری تجاری در طول سواحل جمهوری آذربایجان از بین رفته‌اند. در قزاقستان نیز آزمایشهای زیست‌محیطی نتایج هشدار دهنده‌ای را در مورد آلودگی‌های ناشی از بهره‌برداری از منابع نفت

به دست داده‌اند. این آزمایشها نشان می‌دهند موارد شیوع بیماری خونی و دیگر بیماری‌ها در سواحل خزر چهار بار بیش از متوسط شیوع آنها در کل قزاقستان است. آب آلوده به نفت هنوز هم به‌عنوان آب آشامیدنی در این نواحی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این آلودگی دلیل اصل عفونتهای روده‌ای در مناطق ساحلی قزاقستان ذکر شده است. این نکات تصویر تاریکی از آینده، با اجرای طرحهای گسترش بهره‌برداری از نفت، ترسیم می‌کند.

بر پایه مطالعات صورت گرفته از حیث تجمع و تراکم هیدروکربورهای نفتی در آب و رسوبهای حوزه جنوبی دریای خزر، در حال حاضر این پیکره در رده غیرآلوده و رسوبهای آن در رده آلوده به میزان متوسط جای می‌گیرد.^(۱۸) از سوی دیگر، طبق اطلاعات سازمانهای حفظ محیط زیست کشورهای ساحلی دریای خزر، در فاصله سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۵ سالانه ۱۲ میلیارد مترمکعب پساب آلوده وارد دریای خزر شده است. قسمت اعظم این آلاینده‌ها از طریق رودخانه‌ها و آبراههای فصلی به دریا انتقال می‌یابند و دهانه این رودخانه‌ها و مناطق دریایی مجاور آنها که از تمرکز آلاینده‌های بیشتری برخوردارند، به‌عنوان مناطق بحران شناخته می‌شوند. مسیر دیگر انتقال منابع آلوده‌ساز تحت تأثیر نوسانات سطح آب خزر قرار دارد که در مبحث قبل به آن اشاره شد. در مجموع می‌توان انواع آلاینده‌های اصلی وارد شده به دریای خزر از طریق پسابهای آلوده را فلزات سنگین، آفت‌کشها، سموم، مواد مغذی، آلاینده‌های میکروبی و مواد معلق دانست. به‌طور کلی مجموع آلودگی دریای خزر که در عرض یکسال از رودخانه‌ها وارد آبهای آن شده است ۷۴ میلیون تن بود. ۸۰ درصد سهم آلودگی رودخانه‌ای دریای خزر متعلق به ولگاست.^(۱۹)

آلوده‌کننده‌های نفتی به همراه سایر آلاینده‌ها که به واسطه مدیریت نادرست رودخانه‌ها به آبهای خزر می‌ریزند سبب شده‌اند که از میزان صیدماهیان و سایر جانوران دریای خزر شدیداً کاسته شود. این خود نشان‌دهنده خطرهای زیست‌شناختی است که خزر را تهدید می‌کند.

۱-۳. مسایل زیست‌شناختی: از آثار مهم آلودگی آب با منشاء نفت یا پساب‌ها مشکلات زیست‌شناختی است که برای موجودات زنده دریایی به وجود می‌آید. از آنجا که نفت خام یک ماده خالص نیست و در آن انواع هیدروکربورهای با تفاوت‌های فیزیکی و شیمیایی مختلف وجود دارد، هنگامی که دریا را آلوده می‌سازد به اشکال گوناگون تبلور پیدا می‌کند که برای آبزیان مضر است. تعدادی از آنها که سبکترند به سرعت تبخیر می‌شوند و هوا را آلوده می‌سازند. بخشی دیگر به صورت ذرات معلق در دریا شناور باقی می‌مانند که گاهی ماهیان آنها را می‌خورند و دچار مسمومیت می‌شوند. قسمت‌هایی از نفت جذب پوست آبزیان دریا می‌شود و بخشی نیز رسوب کرده و باعث آلودگی موجودات کفزی می‌گردد. قسمتی نیز به شکل لایه نازکی در سطح دریا قرار گرفته از نفوذ نور خورشید می‌کاهند و در مبادلات گازی بین آب و هوا ایجاد اختلال می‌کنند که در هر دو صورت برای فیتوپلانکتون‌ها، که از منابع اولیه غذا در دریا هستند مضر است. بالاخره بخشی نیز به صورت توده‌هایی درمی‌آیند که در اثر جریان آب و باد به طرف ساحل رفته و سبب آلودگی آن می‌شوند. (۲۰)

از طرف دیگر، آلودگی ناشی از پساب‌ها بر ماهیان، خصوصاً ماهیان خاویاری، مؤثر بوده و کاهش ذخیره گلیکوژن کبد و ماهیچه و اختلالات دیگر در بافت و جدارهای تخمدان آنها را در پی دارد. استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی و انتقال هرزآب آغشته به آن به دریا باعث بروز پدیدار پرغذایی در محیط آبی می‌گردد که موجب افزایش رشد برخی از پلانکتون‌های گیاهی می‌شود. این موجودات نیز به نوبه خود سبب کاهش اکسیژن محلول در آب یا جلوگیری از نفوذ نور می‌گردند که می‌توانند چرخه‌های زیستی بوم‌سامانه آبی دریای خزر را از تعادل خارج سازد. آلودگی ناشی از پساب‌های صنایع نیز بسیار وسیع است. آلودگی ناشی از فلزات سنگین، همچون مواد رادیواکتیو، که غیر قابل تجزیه در محیط‌اند، در آب رسوب می‌کنند، در بدن آبزیان جمع می‌شوند و با ورود به زنجیره غذایی انسان تأثیرات مهلکی برجای می‌گذارند. (۲۱)

به‌طور کلی دریای خزر حوزه ماهیگیری مهمی برای کشورهای ساحلی است. ۱۷

خانواده، ۵۳ نوع و ۱۲۴ شکل فرعی ماهی در دریای خزر مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، دریای خزر بزرگترین مخزن ماهیان آب شیرین است. منابع ماهی به‌طور یکسان در سطح آبی دریای خزر توزیع نشده است..

اقدام اصلی ماهیگیری به ماهیان خاویاری مربوط می‌شود. دریای خزر تنها مکان در جهان است که اجتماع قابل ملاحظه‌ای از ماهیان خاویاری در آن وجود دارد. صید تجاری این ماهی در دریای خزر بیش از ۸۰ درصد صید در سراسر جهان است. به هر حال، در سالهای اخیر به علت آلودگی و صید غیرقانونی در سواحل مقدار ذخایر آنها به شدت کاهش یافته است. برای مثال در ۱۹۸۸، به واسطه آلودگی، توده عظیمی از ماهیان خاویاری در قسمت شمالی دریای خزر به گل نشستند. به همین دلیل با استقرار خطوط لوله ماورای خزر مخالفت و اجرای آن را موکول به یک مبنای حقوقی کرده‌اند که حاکم بر مسایل زیست‌محیطی و زیستانی باشد و مسئولیتی حقوقی برای استفاده ایمن از دریای خزر برقرار کند.

همچنین، با وجود افزایش صید، استحصال خاویار از ماهی از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ به میزان ۴۵ درصد کاهش پیدا کرده است. امروزه ماهیان خاویاری در معرض انقراض تلقی می‌شوند. برای جلوگیری از محو شدن ماهی خاویار در دریای خزر لازم است بانکی برای عرضه اسپرم و تخم این ماهی ایجاد شود. حفظ ذخایر ماهیان خاویاری بسیار اهمیت دارد. زیرا آنها از توان انطباق بالایی برخوردارند. علاوه بر خاویار سیاه و گوشت که این ماهیان تأمین می‌کنند، می‌توان از اسپرم آنها دارویی تهیه کرد که در اعمال جراحی پیچیده استفاده می‌شود.

علاوه بر ماهیان خاویاری، صید ماهیان استخوانی نیز که ۱۰۰ نوع متعلق به شش خانواده در دریای خزر یافت می‌شوند از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ به میزان ۵۰ درصد در واحد صید کاهش نشان می‌دهد. (۲۲)

در میان جانوران دارای ارزش صنعتی فک جایگاه مهمی دارد. فک در کل دریای خزر توزیع شده است. در سالهای گذشته نقش دریای خزر به عنوان تأمین‌کننده پوست فک، به علت

ممنوعیت صید آن در دیگر مناطق حفاظت شده، افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. فک‌ها نیز مانند ماهیان از جریانهای دریایی و آثار مصیبت‌بار زیست‌محیطی که مرز نمی‌شناسند صدمه دیده‌اند. در آغاز سده بیستم ۱/۲ میلیون فک در خزر سکونت داشت. امروزه جمعیت آنها حدود ۴۰۰۰۰۰ است. سالهای متمادی سالانه ۱۰۰۰۰۰۰ فک به خاطر پوست آنها کشته می‌شدند. اما در چهار سال گذشته این تجارت رسماً قطع شده است. به علاوه، مرگ جمعی فک‌ها در بهار سال ۲۰۰۰ مصادف با حادثه‌ای بود که در جریان پاکسازی حوزه نفتی تنگیز در قزاقستان رخ داد. درست در همین زمان بود که حفاری در یک لایه پرمحصول نفت آغاز شد. (۲۳)

بنابراین، دریای خزر نمونه مناسبی برای نشان دادن پویشهای توسعه منطقه، بی‌توجه به نیازهای زیست‌محیطی است. ضعف اقتصادی کشورهای منطقه، به ویژه کشورهای نوظدید پس از فروپاشی اتحاد شوروی، همراه با فقدان قوانین مناسب یا عدم امکان اعمال آنها، سبب شده که استخراج بی‌رویه منابع طبیعی دریای خزر به تهدید واقعی برای بوم‌شناسی منحصر به فرد این دریا بدل گردد. افزایش سطح آب دریای خزر نه تنها متضمن ضررهای اقتصادی است و به بهره‌برداری از دریا لطمه می‌زند، بلکه همچنین باعث افزایش آلودگی دریا می‌شود. زیرا آلوده‌ترین اراضی روسیه در مجاورت دریا قرار دارند. تاکنون عوامل اصلی بالا بودن سطح آلودگی آبهای خزر عبارت از فاضلابهای صنعتی و فاضلابهای تغییر و تبدیل نشده‌ای بودند که به دریا ریخته می‌شد، اما اینک با توسعه گسترده منابع هیدروکربوری مشکلات بزرگتری در پیش است، بخصوص که تولید هرچه بیشتر به نواحی برون ساحلی و به درون دریا منتقل می‌شود. لذا، نتیجه این آلودگی‌ها برای بقای آبزیان این دریا فاجعه‌بار است.

در چنین شرایطی عملکردهای مناسب برای حفظ محیط زیست و ارائه پاسخی مدیریتی جدا از سیاستهای انفرادی دولتهای ساحلی ضرورت تام دارد، هیچ ساختار حقوقی و نهادی که منطبق با ویژگی‌های طبیعی خزر باشد شکل نگرفته است. از آنجا که نمی‌توان به انتظار پدیدار شدن اصول و قواعد حقوقی و به اجرا درآمدن آنها نشست، لذا، همکاری میان

دولتهای ساحلی در سطح منطقه‌ای می‌تواند تأمین‌کننده بخشی از حرکت به سمت حفظ محیط زیست این دریا باشد. دولت ایران نیز لازم است به یک سلسله اقدامها در زمینه حفظ محیط زیست دست بزند و در مقابل بتدریج دیگر دولتهای ساحلی را برانگیزد که در جهت حفظ این محیط عمل کنند.

۲. رعایت جنبه‌های زیست‌محیطی در بهره‌برداری از دریا

با عنایت به خطرهای جدی که بوم‌شناسی دریای خزر را تهدید می‌کند و در آینده نزدیک این خطر سیری فزاینده خواهد داشت، ضرورت دارد که از محیط زیست دریای مزبور حفاظت شود. این دریا با عرضه منابع هیدروکربوری، انواع ماهیان، به‌ویژه اوزون‌برون و دیگر منابع ارزشمند، پایگاهی برای منابع بسیار مهم در منطقه است. همچنین صنعت گردشگری سهم در حال رشدی دارد. با این حال دریای خزر به عنوان یک دریاچه بسیار آسیب‌پذیر است. اینک در غیاب یک نظام معقول حقوقی در دریای خزر، حدود مسئولیت کشورهای ساحلی در حفظ محیط زیست این دریا مشخص نیست. نیازهای اقتصادی و توجه صرف به کسب درآمد سبب شده است که حفاظت از محیط زیست این دریا از نظر دور بماند و بعضی از کشورهای منطقه به بهره‌برداری هرچه بیشتر از منابع بیندیشند که این امر آثار زیانبار و جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت.

از طرف دیگر، باید توجه داشت که در زمان انعقاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بهره‌برداری از منابع زیربستر دریا به علت دستیابی به فناوری‌های لازم مطرح نبود. لذا در معاهدات مزبور مقرراتی در این خصوص پیش‌بینی نشده است. و تنها به تعیین مقرراتی راجع به بهره‌برداری از آبریان دریای خزر اکتفا شده است، که آن هم از دیدگاه زیست‌محیطی نیست. کشف منابع نفت در مناطق برون ساحلی باکو پس از جنگ جهانی دوم و شناسایی مخازن جدید در سالهای اخیر در سواحل قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان و یورش شرکتهای بزرگ نفتی به منطقه از یک

سو و مشکلات اقتصادی کشورهای تازه تأسیس و به همراه آن بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبیان از سوی دیگر، تهدیدی جدی را برای محیط زیست این دریای بسته به وجود آورده است که استفاده از موجودات زنده و طبیعت آن را روز به روز نامساعدتر می‌سازد.

به علاوه، رشد سریع صنعت در منطقه و توسعه فزاینده، فشار بر محیط زیست را شدت بخشیده است. تهی‌سازی منابع دریای خزر نه تنها به از دست رفتن یک زیستگاه مهم منتهی می‌شود، بلکه به افزایش رقابت کشورهای ساحلی بر سر منابع دامن خواهد زد. لذا بدون قابلیت تداوم بوم شناختی قابلیت دوام اقتصادی در منطقه وجود نخواهد داشت. به خاطر ارتباط تنگاتنگ و اثبات شده میان حفظ محیط زیست و تداوم توسعه اقتصادی است که اکنون دولت‌ها نیز طبق حقوق بین‌الملل محیط زیست موظف‌اند در بهره‌برداری از منابع دریاها الزاماتی را رعایت کنند.

در گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط‌زیست، با عنوان «آینده مشترک ما»، آمده است که امروزه میزان مداخله در طبیعت در حال افزایش است و آثار عملی تصمیمات ما از مرزهای ملی فراتر می‌رود. رشد مبادلات اقتصادی میان ملتها، آثار کلان تصمیمات ملی را در گستره وسیعتری نشان می‌دهد. اقتصاد و بوم‌شناسی ما در شبکه‌های درهم تنیده‌ای محصور می‌شود. امروزه در بسیاری از مناطق کره زمین با خطرها و صدمات برگشت‌ناپذیر و غیرقابل جبرانی به محیط زیست انسان روبه‌رو هستیم که اساس پیشرفت بشریت را در معرض تهدید قرار داده است. (۲۴)

اصل برخورداری دولت‌ها از حقوق حاکم بر منابع طبیعی واقع در قلمرو تحت صلاحیت و یا کنترل خویش و آزادی آنها در بهره‌برداری از منابع مذکور ظاهراً دولت‌ها را مجاز می‌داند تا به هرگونه فعالیتی برای بهره‌برداری از منابع خود، حتی اگر امکان تخریب محیط زیست خود آن کشور را دربر داشته باشد، مبادرت نمایند. به هر حال، این حقوق در چارچوب محدودیتهای موجود در حقوق بین‌الملل و به‌ویژه در زمینه محیط زیست قابل اعمال است.

بنابراین، در چارچوب هر نظام حقوقی که برای این دریا تعیین شود دولتها مجاز نیستند در بهره‌برداری از منابع آن به گونه‌ای عمل کنند که سبب آلودگی دریا گردند. این مجاز نبودن در واقع به اصل تعهد دولتها به حفاظت از محیط زیست مربوط می‌شود. چرا که اصل مزبور دو وجه سلبی و ایجابی دارد. در وجه سلبی دولتها متعهدند از وارد آوردن خسارت به محیط زیست خودداری کنند. در وجه ایجابی نیز دولتها وظیفه دارند از محیط زیست حفاظت کنند. رعایت اصل اشاره شده برای دولتها نه تنها در قلمرو آنها الزامی است، بلکه توجه و احترام به آن در مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها نیز لازم است. این نکته در حقوق بین‌الملل عرفی کاملاً پذیرفته شده است.

وجه ایجابی اصل مورد بحث آن را با اصل اقدامات پیشگیرانه و احتیاطی پیوند می‌دهد. بنابراین دولتها نه تنها الزام دارند از وارد آوردن خسارت زیست‌محیطی در قلمرو خود و خارج از آن امتناع کنند بلکه وظیفه دارند در جهت حفظ محیط زیست اقدام‌های پیشگیرانه به عمل آورند و در این راستا به اقدامات احتیاطی دربارهٔ فعالیتهایی مبادرت ورزند که بالقوه برای محیط زیست خطرناک‌اند. براساس آنچه گفته شد دولتهای ساحلی دریای خزر وظیفه دارند در برنامه‌های توسعه خود و بهره‌برداری از منابع دریای خزر حفاظت از محیط زیست این دریا را مدنظر قرار دهند. دولت ایران نیز باید به نوبه خود در زمینه بهره‌برداری از منابع دریای خزر موازین حفظ محیط زیست را هرچه دقیقتر رعایت کند تا بتواند دیگر دولتهای منطقه را در این جهت با خود همراه سازد و به توافق دست یابد.

از آنجا که همهٔ دولتها وظیفه دارند از دریای خزر حفاظت به عمل آورند، بنابراین یک مسئولیت مشترک میان همهٔ دولتها در راستای عمل به وظیفه مذکور وجود دارد. اما مسئولیت مزبور نزد همهٔ دولتها یکسان نیست. بلکه دولتها به نسبت تخریبی که برای محیط زیست به وجود می‌آورند و توانایی‌ها و امکاناتی که دارند باید نقش مؤثرتری در حفظ محیط زیست ایفا کنند. براساس آنچه گفته شد دولتهای ساحلی دریای خزر به طور مشترک مسئولیت دارند

محیط زیست این دریا را حفظ کنند. البته آن دولتهایی که نقش بیشتری در تخریب محیط زیست خزر دارند باید مسئولیت بیشتری را قبول کنند و اقدامهای اساسی بیشتری در جهت حفظ محیط زیست اشاره شده به عمل آورند. جمهوری اسلامی ایران با رعایت موازین حفظ محیط زیست، که در بالا به آن اشاره شد، می‌تواند محیط مناسبات میان دولتهای ساحلی دریای خزر را شفاف‌تر سازد. هرچه این محیط شفاف‌تر باشد دولت ایران بهتر قادر خواهد بود مسئولیت دولت را به نسبت تخریبی که ایجاد می‌کنند بخواهد.

مسئولیت مشترک، تعهد به اطلاع‌رسانی، همکاری، مشورت و کمک در مواقع اضطراری زیست محیطی را برای دولتها به‌وجود می‌آورد. براین اساس دولتها موظف‌اند که با تبادل اطلاعات و مشورت از وارد آمدن خسارت به محیط زیست دیگر کشورها پیشگیری کنند، آنها را از وجود خطرهای احتمالی آگاه سازند و در صورت بروز حادثه زیست‌محیطی در جهت جلوگیری از گسترش حادثه و کاهش آثار آن همکاری و مساعدت کنند. بنابراین، دولتهای ساحلی دریای خزر متعهدند در هنگام اجرای طرحهای توسعه خود در این دریا دیگر دولتهای منطقه را از وجود خطرهای احتمالی آگاه سازند. به‌علاوه، آنها تعهد دارند برای حل اختلاف زیست محیطی و حتی پیشگیری از به‌وجود آمدن آنها با یکدیگر همکاری کنند. (۲۵)

اطلاع‌رسانی ایران به دیگر دولتهای ساحلی در زمینه اقدامهای خود در خصوص حفظ محیط زیست دریای خزر به شفاف‌تر شدن محیط مناسبات میان دولتهای ساحلی، که ضرورت آن اشاره شد، یاری می‌دهند.

با توجه به این که هنوز یک نظام حقوقی مورد قبول همه دولتهای ساحلی برای دریای خزر وجود ندارد و خطرهای زیست‌محیطی شدیدی این حوزه آبی را تهدید می‌کند هر مذاکره‌ای درباره مسایل حقوقی شامل حل نگرانی‌های زیست محیطی این دریا نیز می‌شود. به‌هرحال، تا زمان شکل گرفتن یک نظام حقوقی واحد حاکم بر مسئله محیط زیست دریای خزر دولتهای ساحلی باید به اصول حقوق بین‌الملل، قواعد عرفی و معاهدات بین‌المللی حاکم بر این

موضوع پایبند باشند و برای حل مشکلات آلودگی خزر گامهای اساسی بردارند. در غیر این صورت همه دولت‌های ساحلی مشترکاً امکان هر نوع بهره‌برداری از دریا را از دست خواهند داد. بنابراین، دولت ایران باید در جهت ایجاد هماهنگی و همکاری در زمینه رعایت موازین حفظ محیط زیست خزر تلاش کند.

این که دولت‌ها یک مسئولیت مشترک در راستای همکاری برای حفظ محیط زیست در برابر خطرهای بالفعل و بالقوه دارند نشان‌دهنده آن است که دولت‌های ساحلی دریای خزر باید برای حفظ محیط زیست این حوزه آبی به‌طور هماهنگ عمل کنند و با یکدیگر همکاری داشته باشند. در این جهت، تا به حال اقدام‌هایی به عمل آمده است و اقدام‌های بیشتری نیز باید صورت گیرد. ترتیباتی که هم‌اکنون برای بهبود محیط زیست این دریا میان دولت‌های ساحلی شکل گرفته و باید تقویت شوند در مبحث بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ج) اقدامات هماهنگ برای بهبود محیط زیست

اقدام‌های هماهنگ برای مقابله با خطرهای بالقوه و بالفعل و در جهت بهبود محیط زیست در سه مقوله کلی قرار می‌گیرد:

۱. اقدام‌های انفرادی اما هماهنگ دولت‌ها؛
۲. اقدام در چارچوب نهادهای بین‌المللی، زیرا هماهنگی و همکاری در جهت رسیدن به هدفی خاص در چارچوب ترتیبات سازمان یافته بهتر می‌تواند تحقق یابد؛
۳. همکاری با سازمان‌های غیردولتی و تقویت آنها، زیرا امروزه این نهادها می‌توانند نقش مؤثری هم در صحنه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی ایفا کنند. به علاوه، تعداد قابل توجهی سازمان غیردولتی وجود دارند که نسبت به مسایل زیست محیطی دریای خزر حساسیت نشان می‌دهند.

بحث‌های مربوط به اقدامات هماهنگ برای بهبود محیط زیست دریای خزر نیز براساس

همین دسته‌بندی صورت می‌گیرد.

۱. دولتهای ساحلی: همه دولتهای ساحلی دریای خزر صرف‌نظر از این‌که در مسایل فرامرزی مشارکت داشته یا صرفاً متحمل خسارات آنها باشند، در این مسایل سهم مشترک دارند. بنابراین هیچ کشوری نمی‌تواند امیدوار باشد به طور انفرادی بر این مسایل غلبه کند. لذا به همکاری و هماهنگی در سطح منطقه‌ای نیاز است. در این خصوص می‌توان اقدامهای زیر را مدنظر قرار داد: - استفاده از ناوگان تحقیقاتی چندمنظوره برای بررسی و مراقبت برنامه‌ها بر پایه نیازهای ملی و منطقه‌ای؛

- تأسیس یک مرکز یا پایگاه اطلاعاتی برای گردآوری و طبقه‌بندی داده‌های مختلف از ادارات و نهادهای دولتهای ساحلی دریای خزر؛

- توسعه نرم‌افزار و سخت‌افزار خدمات اطلاع‌رسانی عمومی بر اساس لازمه‌های داده‌های دریای خزر. ایجاد شبکه ملی / منطقه‌ای خدمات اطلاع‌رسانی عمومی، بازرسی و مدیریت ساحلی و دریایی برای نقشه‌برداری ماهواره‌ای موضوعی از منطقه. محصولات خدمات اطلاع‌رسانی باید در میان ادارات منطقه‌ای و دیگر نهادهای ذینفع توزیع شود؛

- آماده‌سازی قوانین و مقررات و چارچوبهای سازمانی برای توسعه یک سامانه منطقه‌ای مدیریت حوزه ساحلی به عنوان ابزاری برای توسعه پایدار منطقه. (۲۶)

مبانی این همکاری و هماهنگی را نیز می‌توان در عملکرد خود دولتهای منطقه در زمینه تلاش برای تعیین وضع حقوقی دریای خزر جست‌که در بحث مربوط به مساعی دولتهای ساحلی در روشن ساختن وضعیت حقوقی منطقه به آنها اشاره شد. همه آن تلاشها نشان می‌دهد که به‌رغم وجود اختلاف می‌توان براساس نکات زیر درباره موضوعات مشترک مورد علاقه، به‌ویژه موضوعاتی مانند حفظ محیط زیست که از اهمیت حیاتی برخوردار است به توافق دست یافت.

- با وجود نبودن توافق کلی در میان همه دولت‌های ساحلی دریای خزر، در برخی از موارد مربوط به خود با یکدیگر به توافق و تفاهم دست یافته‌اند. بنابراین، در دیگر موارد از جمله مسایل مربوط به محیط زیست نیز می‌توان به توافق دست یافت.

- از جمله توافق درباره مناطق مورد اختلاف، کنار گذاشتن موقت آنها از بحثها تا رسیدن به یک توافق کلی در مورد وضع حقوقی دریای خزر است.

- متوقف ساختن هرگونه بهره‌برداری از منابعی که در حوزه‌های مورد اختلاف قرار دارند. - طرفها می‌توانند با تصریح عدم چشم‌پوشی از ادعای خود و قبول ادعای طرف مقابل، عملیات در منطقه مورد اختلاف را به حالت تعلیق درآورند.

دولت ایران با اجرای اقدام‌های بالا برای حفظ محیط زیست در ناحیه متعلق به خود از دریای خزر و زمینهای واقع در محدوده آن در واقع به وظایف و مسئولیتهای خود در زمینه حفظ محیط زیست دریای خزر طبق اصول حقوق بین‌الملل که در بالا مورد بحث قرار گرفت عمل می‌کند و مناسب است که این اقدامها را تا حد امکان در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی به عمل آورد و در همین چارچوب نتایج اقدامهای خود را به اطلاع دیگر دولت‌های ساحلی خزر برساند. پیشقدمی ایران پایبندی ما به موازین حفظ محیط زیست را نشان می‌دهد که از لحاظ ایجاد یک جو کلی همکاری و هماهنگی مفید است. مدنظر قرار دادن نکات فوق به دولت‌های ساحلی یاری می‌دهد که در چارچوب نهادهای بین‌المللی از جمله برنامه محیط زیست خزر همکاری و هماهنگی بهتری را در جهت حفاظت از محیط زیست این دریا در برابر خطرهای موجود و آینده با یکدیگر داشته باشند.

۲. سازمانهای بین‌المللی: همانطور که اشاره شد دریای خزر خانه بزرگترین جمعیت ماهیان خاویاری جهان است. تمرکز توجه به منابع دریای مزبور توجه را همچنین به مصیبتی جلب کرده است که سلامتی محیط زیست با آن روبرو است. زیرا محیط زیست بخش شکننده‌ای از زندگی

در هر کجاست. محیط زیست خزر، که در آن آلودگی به صورت واقعیت زندگی درآمده است، از این امر مستثنی نیست. با رشد آگاهی زیست محیطی در منطقه فشار بیشتری در این جهت وارد خواهد شد که توسعه نفت و گاز به طریقی صورت گیرد که حساسیت نسبت به حفظ محیط زیست مراعات گردد. به علاوه، اهمیت اقتصادی صنعت خاویار منطقه، دولتهای ساحلی را در توجه به خطرهای زیست محیطی توسعه منابع نفت و گاز در دریای خزر متحد می‌سازد.

اصولاً آلودگی چیزی نیست که بتوان بدون هماهنگی با آن مقابله کرد. این هماهنگی باید در مورد مراقبت از منابع تولیدکننده آلودگی نیز وجود داشته باشد. از جمله این منابع آلوده‌کننده بهره‌برداری از منابع بسترو زیربستر خزر است. از سوی دیگر، توسعه پایدار کشورهای منطقه نیز ایجاب می‌کند که منابع مذکور به نحوی مورد بهره‌برداری قرار گیرد که هم خود آن منابع و هم محیط زیست خزر حفظ گردد. این امر نیز بر اهمیت مراقبت می‌افزاید. این مراقبت هزینه‌هایی دارد که می‌بایست به طور مشترک تأمین شود. لذا اداره مشترک این حوزه آبی راه حل مناسبتری برای حفظ محیط زیست خزر خواهد بود. در چنین شرایطی تأکید بیش از حد بر تعیین نظام حقوقی خزر بر اساس تقسیم آن چندان با هدف تأمین منافع نسلهای آتی سازگاری ندارد. بنابراین بهتر است تا حد امکان از تقسیم این حوزه اجتناب شود.

به طور کلی نیاز به حفاظت مشترک از محیط زیست خزر و منابع آن و مدیریت مشترک آنها مسأله‌ای است که مدتهاست برای دولتهای ساحلی خزر مطرح بوده است. آگاهی نسبت به این نیاز به ویژه از زمان فروپاشی شوروی (۱۹۹۱) افزایش پیدا کرده است.

یک نشانه تشویق‌کننده، حرکت به سمت همکاری بیشتر در حفاظت از خزر بوده است. چند اقدام، همکاری منطقه‌ای در جهت حفظ محیط زیست را تقویت کرد. سرانجام دولتهای منطقه به دنبال امضای یک تعداد موافقتنامه‌های زیست محیطی پس از فروپاشی شوروی، در ماه مه در ملاقات رامسر رسماً برنامه محیط زیست خزر^۱ را برپا داشتند که مقر آن در باکو است.

1. Caspian Environment Programme

برنامه محیط زیست خزر پاسخ جامعی به مسایل زیست محیطی اصلی منطقه است. تأمین مالی برنامه محیط زیست خزر بر عهده جامعه بین‌المللی است. این کار از طریق نهادهایی از قبیل تسهیلات زیست محیطی جهانی^۱ (که برنامه عمران ملل متحد، برنامه محیط زیست ملل متحد و بانک جهانی کارگزاران اجرایی آنند) و اتحادیه اروپا و مشارکت روبه رشد بخش خصوصی صورت می‌گیرد.

برنامه محیط زیست خزر یک برنامه توسعه منطقه‌ای و با هدف متوقف ساختن وخامت وضعیت زیست محیطی خزر و توسعه پایدار و راهبری محیط زیست خزر از جمله منابع زنده و کیفیت آب آن، حفاظت از سلامت انسان و یکپارچگی زیست محیطی برای نسلهای آینده است، به نحوی که بیشترین منافع بلندمدت برای مردمان منطقه به دست آید و در عین حال سلامت انسانها، یکپارچگی بوم شناختی و پایداری منطقه حفظ گردد. مأموریت برنامه محیط زیست خزر کمک به دولتهای ساحلی برای رسیدن به توسعه از نظر زیست محیطی پایدار و مدیریت محیط زیست خزر در جهت منافع بلندمدت ساکنان خزر است. برنامه محیط زیست خزر مسئول هماهنگی اقدامهای دولتهای ساحلی در حمایت و اداره مشترک محیط زیست خزر و منابع آن است.

به‌طور کلی برنامه محیط زیست خزر مسایل چندگانه زیست محیطی و منابع زنده را مورد توجه قرار می‌دهد که به حوزه‌های موضوعی متفاوتی تقسیم می‌شوند و برنامه محیط زیست خزر بر آنها متمرکز است. این حوزه‌ها عبارتند از:

- مدیریت مؤثر منطقه‌ای بین بخشی و زیست محیطی؛

- آگاهی و مداخله عمومی در برنامه محیط زیست خزر شامل برنامه عملی ملی خزر^۲ و

1. Global Environmental Facility (GEF).

2. National Caspian Action Plan (NCAP)

برنامه عمل راهبردی منطقه‌ای^۱؛

- سامانه‌های منطقه‌ای مدیریت داده‌ها و اطلاعات؛

- ارزیابی منطقه‌ای سطوح آلوده‌کننده‌ها؛

- اولویتهای فرامرزی تنوع زیستی؛

- مدیریت پایدار منابع ماهی و دیگر منابع زنده دریایی که به‌طور تجاری بهره‌برداری

می‌شوند؛

- برنامه‌ریزی و مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی فرامرزی؛

- مبارزه با بیابان‌زایی ساحلی و افت کیفیت خاک؛

- توسعه و بهداشت بشری پایدار؛

- اقدامهای پاسخ اضطراری منطقه‌ای؛

- مبانی نهادی، حقوقی، آیین‌نامه‌ای و اقتصادی اجرای برنامه عمل راهبردی منطقه‌ای؛

- تقویت رویه‌ها و خط‌مشی‌های کاستن و مراقبت از آلوده‌کننده‌ها؛

- نقشه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های اولویت سرمایه‌گذاری برای اولویتهای فرامرزی.

همهٔ این حوزه‌های موضوعی حکایت از نیاز شدید به همکاری منطقه‌ای برای مقابله با

آلودگی زیست‌محیطی در دریای خزر دارد. ضمناً نشان می‌دهد که اختلاف در مورد مسایل

مربوط به تعیین نظام حقوقی این دریا نباید مانع همکاری در زمینه‌های دیگر بشود، هرچند

اجرای این هدفها، به‌ویژه با توجه به وضع اقتصادی منطقه، آسان نخواهد بود. به‌طور واقع‌گرایانه

چالش پیش روی عبارت خواهد بود از یافتن توازنی درست میان منابع غنی نفت و گاز خزر و

حفاظت از دریا، حیات دریایی و سلامت سکونت‌گاههای دریایی به شیوه‌ای که منافع کافی در

مقابل هزینه‌ها به دست دهد.

در همین راستا، واحد هماهنگی برنامه‌ها مسئولیت هماهنگ ساختن و مدیریت توسعه

و اجرای برنامه محیط زیست خزر را برعهده دارد. واحد هماهنگی برنامه‌ها از دیدگاه عملی نیز کار ویژه‌های زیر را به اجرا می‌گذارد:

- ترتیبات ملاقاتهای منطقه‌ای را فراهم می‌کند؛
 - فعالیتهای مراکز موضوعی منطقه‌ای خزر را هماهنگ می‌سازد؛
 - با دیگر برنامه‌های خزر رابطه برقرار می‌کند؛
 - به‌عنوان مراکز ارتباطی، خدماتی را به برنامه محیط زیست خزر ارائه می‌دهد؛ و
 - راهبری داده‌ها و اطلاعات در درون برنامه محیط زیست خزر را هماهنگ می‌کند.
- کار ویژه‌های واحد هماهنگی نیز کاملاً نیاز به همکاری و هماهنگی برای مقابله با مسایل منطقه‌ای، از جمله مسایل مربوط به آلودگی را نشان می‌دهد.

همچنین، هدف حفاظت از سلامت انسان و یکپارچگی زیست محیطی برای نسل‌های آینده نشان می‌دهد که در حال حاضر دریای خزر فشار انسانی فزاینده‌ای را تحمل می‌کند و لازم است بسیاری از منابع و فعالیتها بهبود یابد و از هرگونه وخامت وضعیت محیط زیست جلوگیری به‌عمل آید. در این راستا، برنامه محیط زیست خزر موضوع تحلیل ناخوشی فرامرزی خزر^۱ را مدنظر قرار داده است. این تحلیل یک ارزیابی علمی و فنی از مسایل و مشکلات زیست محیطی مرتبط با آب، علل و آثار آنها، هم از نظر زیست محیطی و هم از لحاظ اقتصادی، در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی، با در نظر گرفتن سامانه‌های اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و نهادی در هر کشور حاشیه خزر به دست می‌دهد.^(۲۷) فعالیت مزبور نیز نیاز شدید به همکاری مبتنی بر آگاهی صحیح را نشان می‌دهد و از سوی دیگر مؤید آن است که اختلاف در حوزه‌ای خاص نمی‌تواند مانع ایجاد هماهنگی و همکاری در دیگر حوزه‌ها بشود.

هدف برنامه محیط زیست خزر، یعنی مدیریت محیط زیست این دریا در جهت منافع بلندمدت ساکنان ناحیه مزبور، می‌تواند در حوزه‌های دیگر مانند نظام حقوقی خزر نیز مد نظر

قرار گیرد. زیرا نیاز به همکاری منطقه‌ای که برنامه محیط زیست خزر را به وجود آورد مطمئناً در حوزه‌های دیگر نیز کارایی دارد و نباید با تأکید بیش از حد بر نقاط اختلاف میان کشورهای ساحلی به همکاری ناشی از این نیاز لطمه زد.

به‌علاوه، وجود همین برنامه و مشارکتی که نهادهای بین‌المللی مانند برنامه عمران ملل متحد و برنامه محیط زیست ملل متحد در تأمین مالی آن دارند نشان‌دهنده اهمیت حفظ محیط زیست دریای خزر از نظر جامعه بین‌المللی است. بر همین اساس دولت ایران می‌تواند به جلب مشارکت بیشتر سازمانهای بین‌المللی در امر مراقبت نسبت به فعالیتهای اقتصادی در دریای خزر از لحاظ مراعات مقررات حفظ محیط زیست اقدام کند. اقدام دولت ایران در زمینه جلب مشارکت بین‌المللی علاوه بر سازمانهای دولتی سازمانهای غیردولتی را نیز دربر می‌گیرد. امروزه، با توجه به افزایش نقش و گسترش فعالیت سازمانهای غیردولتی جلب توجه آنها به موضوعاتی که در حوزه فعالیت آنها قرار می‌گیرد می‌تواند کمکی مؤثر در راستای تحقق اهداف موردنظر، باشد.

۳. سازمانهای غیردولتی: پیش از سال ۱۹۹۲ معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی بر دریای خزر حاکم بود. زمانی که دولت اتحادشوروی منحل شد چهار دولت جدید را بجای گذاشت تا با ایران بر دریای خزر حکومت کنند. امروزه در سراسر این حوزه فعالان محلی برای مشخص ساختن و حل مسایل زیست محیطی جوامع مربوط خود فعالیت می‌کنند. سازمانهای غیردولتی انواع موجودات در معرض خطر را ردیابی و مطالعه می‌کنند، آثار ساختن خطوط لوله بر سلامتی این موجودات را زیر نظر می‌گیرند، به توسعه برنامه‌های زیست محیطی آموزشی برای کودکان می‌پردازند و مبارزات آگاهی‌رسانی عمومی درباره شرایط محیط زیست منطقه را سازماندهی می‌کنند.

هر گروه از شهروندان در هر کشور چالشهای خاص خود را دارند، اما برخی مضیقه‌ها در

سراسر منطقه دریای خزر مشترک است. مجموعه‌ای مرکب از ریشه‌های از نظر تاریخی ضعیف فعال بودن شهروندان، منابع محدود تأمین مالی برای فعالیتهای غیردولتی و زیربنای ارتباطی ضعیف جو سختی را برای همهٔ سازمانهای غیردولتی به وجود آورده است. نیروهای دافع در منطقه موانع مضاعف برای سازمانهایی به وجود می‌آورند که سعی دارند مسایل زیست محیطی خزر را باهمدیگر حل کنند. با وجود این موانع، جامعه فعالان اقتصادی به آرامی فعالیتهای مهم سازمانهای غیردولتی را مورد قبول قرار می‌دهند. دولت ایران می‌تواند از اقبال به سوی سازمانهای غیردولتی جهت تقویت موضع خود در زمینه حفظ محیط زیست دریای خزر استفاده کند.

در این راستا، شایسته است دولت ایران به سازمانهای غیردولتی به عنوان نیروی در حال رشد مثبتی جهت حل مسایل مشخص، مانند آگاهی زیست محیطی، آموزش زیست محیطی، نظارت مستقل و تظاهرات دارای موضع زیست محیطی بنگرد. سازمانهای غیردولتی برای آن که قدرت پیدا کنند باید تشکل بیابند و تلاشهای خود را با یکدیگر ادغام کنند.

شبکه منطقه‌ای سازمانهای غیردولتی تبادل مداوم اطلاعات را ممکن می‌سازد و بنابراین توان رقابتی، حرفه‌ای و شناخت این سازمانها را تقویت می‌کند. یک سازمان غیردولتی به تنهایی نمی‌تواند با کارگزاران حکومتی یا حتی شرکتهای کوچکتر به طور موفقیت آمیز مخالفت کند، اما وقتی چند سازمان غیردولتی به یکدیگر بپیوندند وضع به طور چشمگیری تغییر می‌کند. خارج از دسترس ترین نظام یا شرکت، هنگامی که با چنین نیرویی مواجه می‌شود، تماسها را آغاز خواهد کرد و شروع به امتیاز دادن می‌کند. اشخاص قدرتمند می‌توانند عقاید عده‌ای را نادیده بگیرند اما هیچ‌یک از آنان خواهان یک رسوایی محلی یا منطقه‌ای نیست. (۲۸)

نمونه‌هایی از فعالیتهای سازمانهای دولتی در حوزه‌های مختلف و آثار آن، توانایی‌های بالقوه سازمانهای غیردولتی و امکاناتی را که ایران می‌تواند مورد توجه قرار دهد روشن تر می‌سازد.

۳-۱. مسایل نفتی: سازمانهای غیردولتی که فعالیت خود را در این جهت متمرکز کرده‌اند که محیط زیست را در خط مقدم بحث‌ها قرار دهند. این سازمانها آرزو می‌کنند که بهره‌برداری از منابع نفت به کل متوقف شود. در سطح خاصی این آرزو منطقی است اما فرایند توسعه اقتصادی در کل، از جمله در دریای خزر، به نفت بستگی دارد و نمی‌توان اهمیت راهبردی جهانی آن را انکار کرد. با این حال حفظ محیط زیست را نیز نباید یک مسأله جنبی تلقی کرد. باید آن را در چارچوب درک وسیع‌تر سلامت عمومی منطقه‌ای، حفظ توسعه اقتصادی، اشتغال، حمایت از طبیعت و جز آن قرار داد. سازمانهای غیردولتی وظیفه دارند پاسخی سخت به صنایع نفتی بدهند. شرکتهای حفار نفت در برون ساحل مطمئناً با حوادثی روبرو می‌شوند و آلوده‌کننده‌هایی که با فعالیتهای آنها ایجاد می‌شوند بوم‌سامانه را در معرض تهدید قرار می‌دهند.

در حال حاضر بدون قانونگذاری مؤثر تضمین امنیت در سطح وسیع در امر نفت ناممکن است. وضع قانون حمایتی بستگی به جلب توجه محافل گسترده‌ای از جمعیت و سازمانهای غیردولتی زیست محیطی دارد. برای افزایش مشارکت و فراهم نمودن اقدام حمایتی در زمینه محیط زیست مجامع باید یک حرکت زیست محیطی را شکل دهند تا کاری کند که پیامهای زیست محیطی دوستانه شنیده شود.

آمار زیر شاهد خوبی برای این مدعا است. بیش از ۱۴۰۰۰ هکتار از اراضی شبه جزیره آبه‌شوران، که باکو پایتخت جمهوری آذربایجان در آن قرار دارد، آلوده به نفت است. سالانه حدود ۴۵ میلیون تن پس آب و ۳۰۰۰۰۰ تن گازهای زیانبار در آنجا وارد محیط زیست می‌شود. هیأت اعزامی یک سازمان غیردولتی همراه با نمایندگان شرکت بین‌المللی نفت آذربایجان مسیر خط لوله گرجستانی باکو - سوپسا را مورد بازرسی قرار داد و از تأسیسات زیانبار آن در طول خط نقشه‌برداری کرد. هیأت مزبور گزارشی را به شرکتهای تولیدکننده نفت داد که در آن کمبودهای خط لوله مزبور برشمرده شده بود. برای جلب توجه تهدیدهای موجود نسبت به محیط زیست و

تشویق حمایت عمومی اطلاعات مربوط به این موضوع از طریق رادیو و تلویزیون منتشر شد. در نتیجه یک جلسه عمومی تشکیل شد که در آن بیش از صد نفر، شامل چند نهاد آموزش عمومی، بهداشت عمومی، سازمان غیردولتی، بخش کشاورزی، افراد کارآموده، سازمانهای زیست محیطی و نیروی انتظامی شرکت جستند. این جلسه عمومی آگاهی نسبت به مسایل را افزایش داد و فشار زیادی برای ایجاد سازمان زیست محیطی محلی برای مبارزه با آثار منفی بهره‌گیری از نفت به وجود آورد.^(۲۹) این مورد نشان می‌دهد که چه امکانهایی بالقوه‌ای برای دولت ایران در زمینه بهره‌گرفتن از فعالیتهای سازمانهای غیردولتی در جهت حفاظت از محیط زیست دریای خزر در برابر خسارات ناشی از فعالیتهای دیگر دولتهای ساحلی خزر در حوزه بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری وجود دارد. البته امکان اشاره شده به حوزه مواد هیدروکربوری اختصاص پیدا نمی‌کند و زمینه‌های دیگر تولید نیرو، مانند نیروی هسته‌ای، را نیز دربر می‌گیرد.

۳-۲. آزمایش‌های هسته‌ای: از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۷ شصت و نه انفجار هسته‌ای زیرزمینی در نزدیکی دریای خزر صورت گرفت. بیست و چهار مورد از آنها به قصد ایجاد اتاقهای ذخیره‌سازی زیرزمینی صورت گرفت. متخصصان همچنین امیدوار بودند انفجارهای هسته‌ای توان تولید پایگاههای نفتی را افزایش دهد. در آن زمان حتی متخصصان فکر می‌کردند انفجارهای زیرزمینی ایمن است.^(۳۰) این انفجارهای زیرزمینی به روشنی بیش از فایده زیان داشته‌اند. محلهای آنها اکنون بی‌استفاده است و بدل به زمینهای قبرستانی جهت دفن فضولات هسته‌ای شده‌اند و می‌بایست برای صدها سال تحت مراقبت باشند.

باید با قرار دادن سازمانهای غیردولتی به عنوان یک خط دفاعی جدید در جهت حفظ سامانه دفاع در برابر تشعشع طبیعی در بوم‌سامانه در حوزه خزر فعالیت کنیم. در این راستا سازمانهای مزبور باید با رویکردی سازمان یافته و متمرکز مراقب میزان آلودگی تشعشع باشند. به‌علاوه سازمانهای غیردولتی وظیفه دارند پاسخی سخت به صنایع هسته‌ای بدهند. این

سازمانها باید صنعت هسته‌ای را مدنظر داشته باشند زیرا خروجی‌های کارخانه‌های برق هسته‌ای به جو، میزان تشعشع‌های مناطقی که سابقاً در آنها انفجار صورت گرفته است و عملیات استخراج اورانیوم همگی مسایل مهمی را به وجود می‌آورند.^(۳۱)

۳-۳. ماهی خاویار: انواع ماهیان خاویاری براساس مقاله‌نامه تجارت بین‌المللی انواع در معرض تهدید^۱، فهرست شده‌اند. اما چنین اقدامهایی برای ماهیان خاویاری دریای خزر کافی نیست. منابع این ماهی چنان تهی است که احتمال نمی‌رود به‌طور طبیعی در دریای خزر باز تولید شود. بنابراین روشن است که مقررات بین‌المللی موجود نمی‌تواند مسأله را حل کند و به همین دلیل شورای دفاع از منابع طبیعی^۲، جامعه حفظ حیات وحش، و شبکه دریا مبارزه‌ای را برای جلوگیری از انقراض نسل این ماهی و ممانعت از این که دیگر ماهیان خاویاری دچار چنین سرنوشتی شوند آغاز کرده‌اند.^(۳۲)

بحث مربوط به سازمانهای غیردولتی نیز مانند کل مباحث این فصل امکاناتی را نشان می‌دهد که دولت ایران می‌تواند با توسل به آنها شرایط مساعدتری را برای ایجاد همکاری و هماهنگی در بهره‌برداری اقتصادی از دریای خزر فراهم آورد و دولتهای منطقه به سمتی حرکت کنند که یک نظام حقوقی مورد قبول همه دولتهای ساحلی شکل گیرد.

نتیجه‌گیری

عدم نیاز جدی ایران به بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری دریای خزر در قیاس با نیاز شدید دولتهای نوپای منطقه به منابع مزبور برای توسعه اقتصادی زمینه عدم توافق در خصوص نظام حقوقی دریای خزر و بعضاً ایجاد شرایط تنش‌آمیز را فراهم آورده است. دولت ایران

1. Convention on International Trade in Endangered Species (CITES).

2. Council on Natural Resources Defences

می‌تواند از همین عدم نیاز خود و نیاز طرف مقابل در جهت عکس یعنی شکل دادن به پاره‌ای توافقی‌های موردی و کاستن از زمینه‌های بروز تنش نیز استفاده کند. در این راستا:

الف) دولت ایران می‌تواند ضمن حفظ مواضع خود تلاش کند با دولت‌های ساحلی دریای خزر توافق کند مذاکرات را بر مواردی متمرکز گردانند که رسیدن به توافق درباره آنها آسان است و حل و فصل نکات مناقشه برانگیزتر به زمانی موکول شود که شرایط مساعدتری فراهم آمده باشد. بزرگ نشدن مسایل مناقشه برانگیز ضمناً کمک می‌کند که حساسیت‌های داخلی برانگیخته نشود و این احساس در میان تصمیم‌گیرندگان داخلی به وجود نیاید که یک سلسله فشارهای داخلی گزینه‌های آنها را برای رسیدن به توافق و تفاهم با طرف مقابل محدود ساخته است.

ب) نظر به این که کشتیرانی بالقوه زبان‌هایی برای محیط زیست خزر دارد و با توجه به این که پیشنهاد‌های مختلف در خصوص نظام حقوقی دریای خزر به گونه‌ای است که فعالیت در این زمینه را در یک فضای مشترک مدنظر قرار می‌دهد بنابراین دولت ایران می‌تواند از این امکان برای رسیدن به تفاهم در خصوص مسایل کشتیرانی از جمله تعیین مسیرهای دریایی با ملاحظات زیست محیطی استفاده کند. این تفاهم یکی از گام‌هایی است که دولت ایران می‌تواند در جهت ایجاد یک جو دوستانه در حوزه دریایی خزر و حرکت تدریجی به سوی استقرار یک نظام حقوقی مرضی‌الاطراف بردارد.

پ) چنانچه پیشنهاد‌های مختلف در خصوص نحوه تقسیم منابع زیربستر دریای خزر مدنظر قرار گیرد مطمئناً مناطقی وجود دارد که براساس هر تقسیم‌بندی به دولتی خاص اختصاص می‌یابد و اختلافی در مورد آنها نمی‌تواند شکل گیرد. در مقابل مناطقی نیز یافت می‌شود که مورد اختلاف برخی از دولت‌های ساحلی خواهد بود که در قیاس با مناطق فوق بسیار ناچیز هستند. ایران می‌تواند در این جهت فعالیت کند که دولت‌های ساحلی توافق کنند این گونه مناطق بی‌طرف در نظر گرفته شوند و هرگونه فعالیت در زمینه استخراج معادن آنها تا زمان حل

نهایی اختلافات متوقف گردد.

ت) در جهت تقویت این نظر دولت ایران می‌تواند همچنین پیشنهاد دهد که بهره‌برداری از منابع مناطق بی‌طرف از ذخایری صورت گیرد که سفره‌های آنها به خارج از این مناطق و درون حوزه سرزمینی آنها کشیده شده است. بهره‌برداری از درون مناطق بی‌طرف نیز با توافق طرفهای ذینفع در هر منطقه، همچنین با تأکید بر عدم تأثیر آن بر مسأله حاکمیت، می‌تواند پیشنهاد گردد. به این ترتیب از یک سو دولتهای منطقه نیاز خود به بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری را تأمین می‌کنند و از سوی دیگر با وارد نشدن به موضوع مورد مناقشه از تشنج آفرینی جلوگیری می‌شود. به علاوه، در طول زمان نیز اهمیت اقتصادی ناحیه مورد اختلاف از این نظر کاهش می‌یابد و توافق در مورد دیگر مسایل مربوط به آن ساده‌تر خواهد بود.

از آنجا که ایران نیاز جدی به بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری دریای خزر ندارد می‌تواند با اتخاذ رفتاری تا حد امکان مساعد در زمینه نیاز دیگر دولتها به بهره‌برداری از این منابع، محیط دوستانه‌تری در منطقه به وجود آورد. در چنین محیطی دولت ایران با اقدامهای زیر می‌تواند تلاش کند که دیگر دولتهای منطقه در فعالیتهای خود، از جمله بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری، جهت توسعه اقتصادی خود موازین حفظ محیط زیست را ملحوظ دارند تا شرایط مناسب برای دیگر فعالیتهای اقتصادی ایران در این منطقه تأمین گردد:

الف) براساس اصل تعهد دولتها به حفاظت از محیط زیست مقتضی است دولت ایران در زمینه بهره‌برداری از منابع دریای خزر موازین حفظ محیط زیست را هرچه دقیق‌تر رعایت کند تا بتواند دیگر دولتهای منطقه را در این جهت با خود همراه سازد و به توافق دست یابد.

ب) عمل دولت ایران در رعایت موازین حفظ محیط زیست، به اجرای اصل مسئولیت مشترک دولتها در حفظ محیط زیست نیز کمک می‌کند. زیرا محیط مناسبات میان دولتهای ساحلی دریای خزر را شفاف‌تر می‌سازد و هرچه این محیط شفاف‌تر باشد ایران بهتر قادر خواهد بود مسئولیت مشترک دولتها را به نسبت تخریبی که ایجاد می‌کنند بخواهد.

پ) مسئولیت مشترک همراه خود، تعهد به اطلاع‌رسانی، همکاری، مشورت و کمک در مواقع اضطراری زیست‌محیطی را برای دولت‌ها به وجود می‌آورد. اطلاع‌رسانی ایران به دیگر دولت‌های ساحلی در زمینه اقدام‌های خود در خصوص حفظ محیط زیست دریای خزر نشان می‌دهد که ما به تعهدات خود در زمینه حفظ محیط زیست و رعایت حقوق جمعی در دریای خزر پایبندیم و در نتیجه به شفاف‌تر شدن محیط مناسبات میان دولت‌های ساحلی، که ضرورت آن بالاتر اشاره شده، کمک می‌شود. با این اطلاع‌رسانی به تدریج می‌توان شرایطی را فراهم آورد تا از دیگر دولت‌های منطقه خواست که آنها نیز متقابلاً اقدام‌های لازم برای حفظ محیط زیست را به عمل آورند و وظیفه خود در زمینه اطلاع‌رسانی را انجام دهند.

ث) با توجه به این که هنوز یک نظام حقوقی مورد قبول همه دولت‌های ساحلی برای دریای خزر وجود ندارد و خطرهای زیست‌محیطی شدیدی این حوزه آبی را تهدید می‌کند، تا زمان شکل گرفتن یک نظام حقوقی واحد حاکم بر مسأله محیط زیست دریای خزر، دولت‌های ساحلی باید به اصول حقوق بین‌الملل، قواعد عرفی و معاهدات بین‌المللی حاکم بر این موضوع پایبند باشند.

از آنجا که وجود برنامه محیط زیست خزر و مشارکت نهادهای بین‌المللی مانند برنامه عمران ملل متحد و برنامه محیط زیست ملل متحد در تأمین مالی آن، نشان‌دهنده اهمیت حفظ محیط زیست دریای خزر از نظر جامعه بین‌المللی است، دولت ایران می‌تواند علاوه بر اقدام‌های فوق به جلب مشارکت بیشتر سازمان‌های بین‌المللی نیز اقدام کند و موارد زیر نمونه‌هایی از این اقدام‌هاست:

الف) دولت ایران می‌تواند در برنامه‌های گوناگون سازمان‌های بین‌المللی در زمینه حفظ محیط زیست دریا از ابعاد مختلف مشارکت فعال داشته باشد. مقررات آنها را تا حدی که مربوط به دریای خزر می‌شود به اجرا درآورد و نتیجه را نیز علاوه بر اطلاع‌رسانی منطقه‌ای به آگاهی سازمان‌های ذیربط نیز برساند. در این زمینه نهادهای بین‌المللی زیادی وجود دارد. برنامه عمران

ملل متحد، برنامه محیط زیست ملل متحد و بانک جهانی تنها مشت‌ی از خروار است.
ب) همکاری ایران با یونسکو در حفاظت از میراث دریایی خزر نمونه دیگری است. دولت ایران از راه این همکاری می‌تواند جو بین‌المللی مساعدی را برای جلب همکاری دیگر دولتهای منطقه‌ای فراهم آورد.

پ) مثال دیگر استفاده از امکانات و تجارب سازمان جهانی دریانوردی در زمینه مسایل مربوط به بهره‌برداری اقتصادی از حوزه‌های آبی با توجه به خصوصیات دریای خزر نکته‌ای است که باید مورد توجه دولت ایران قرار گیرد.

با توجه به افزایش نقش و گسترش فعالیت سازمانهای غیردولتی جلب توجه آنها به آن دسته از اهداف زیست‌محیطی که در حوزه فعالیت آنها قرار می‌گیرد می‌تواند کمک مؤثر در راستای تحقق اهداف مورد نظر باشد.

یادداشت‌ها

۱. بهناز اسدی‌کیا، «آیا خزر قربانی نفت خود می‌شود؟» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۲۲، (تابستان ۱۳۷۷)، ص ۳۶، جلیل روشندل، «نظامیگری در دریای خزر، گرایش برخاسته از فقدان رژیم حقوقی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۲۲ (تابستان ۱۳۷۷)، صص ۱۴-۱۵.

2. Michelle Kinman, "Searching for More Than Oil: A Deeper Look at the Caspian", *Give & Take*, (A Journal on Civil Society in Eurasia) Vol.3, Issue 4 (Winter, 2000), pp.6-9, at 7, www.isar.org/isar/GT10.pdf [08.13.2002]; Energy Information Administration, "Azerbaijan Country Analysis Brief", www.eia.doe.gov/emeu/cabs/azerbjan.html[08.12.2002]

3. Kinman, *op.cit.*

۴. ترکمنستان در مورد محل ترسیم خط میانه، به‌ویژه در حوزه کیاپاز - سردار اختلاف دارد. این دولت روش تقسیم دریا در طول خط میانه به نحو پیشنهادی آذربایجان را چنان تلقی می‌کند که ویژگی‌های جغرافیایی مرتبط با شکل سواحل، بخصوص شبه جزیره آیشوران را که در دریای خزر پیش رفته است، در نظر

نمی‌گیرد. ترکمنستان خواهان خطی مرزی در میانه دریاست که به هنگام برخورد با بخش مربوط به آذربایجان به نحوی ترسیم شود که در نواحی دارای بهترین چشم‌انداز نفتی سهم تقریباً بیشتری از میانه دریا را به ترکمنستان اختصاص دهد. ترکمنستان خواهان تقسیم کف دریا در طول خط واقع در ساحل دولتهای متقابل است. به عقیده این دولت گزینه دیگر آن است که هر دولت یک منطقه ۱۲ مایلی در طول ساحل ایجاد کند. به این منطقه می‌توان یک منطقه ۳۵ مایلی منافع اقتصادی برای هر دولت افزود. بقیه دریا نیز بر روی کشتیرانی همه دولتهای خزر آزاد خواهد بود. نگاه کنید به:

Energy Information Administration, "Caspian Sea Region: Legal Issues", July 2002, www.eia.doe.gov/emcu/cabs/casplaw.html [08.12.2002]

5. Kinman *op.cit.*, pp.7-8; Energy Information Administration, «Iran», www.eia.doe.gov/emcu/Cabs/iran.html [08.12.2002]; Energy Information Administration, "Caspian Sea Region: Legal Issues", *op.cit.*

6. Energy Information Administration, "Azerbaijan Country Analysis Brief", *op.cit.*, Energy Information Administration, "Kazakhstan", July 2002, www.eia.doe.gov/emcu/cabs/Kazak.html [08.12.2002]; Central Asia Region Country Analysis Brief, "Turkmenistan Energy Sector", May 2002, www.eia.doe.gov/emcu/cabs/turkmen.html [08.12.2002].

7. Energy Information Administration, "Iran", *op.cit.*

8. Caspian Sea Environment National Report, [1998], [I.R.Iran National Report], www.caspianenvironment.org/reports.htm [02.24.2002].

9. Energy Information Administration, "Caspian Sea Region: Legal Issues", *op.cit.*

10. Boris Golubov, "The Caspian: Receptacle for Radiation", *Give & Take*, (A Journal on Civil Society in Eurasia) Vol.3, Issue 4 (Winter, 2002), pp.17-21, at 20, www.isar.org/isar/GT10.pdf [08.13.2002]; GLOBAL Ecological FUND, *Caspian Ecological Programme, Baku 1998*, [Azerbaijan National Report] www.caspianenvironment.org/reports.htm [02.24.2002].

۱۱. افشین دانه‌کار، «پیشگیری از بحران زیست‌محیطی در دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره ۲۱، (بهار ۱۳۷۷)، ص ۱۳۱.

۱۲. از جمله مزایای آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) تسهیل امر کشتیرانی در لنگرگاه‌ها و افزایش کارایی لنگرگاههای قدیمی، به‌ویژه در بخش شمالی خزر و نیاز کمتر به لایروبی؛ ب) اهمیت یافتن مجدد

میلیونها هکتار تالاب که منافع اقتصادی به دست می‌دهند؛ ج) کاهش آلودگی صنعتی آبهای کم‌عمق؛
د) تسهیل تخم‌ریزی ماهیان مهاجر در رودخانه‌ها؛ ه) گسترش زیستگاه‌های طبیعی پرندگان مهاجر و تقویت
حیات جانوری حاشیه خزر، نگاه کنید به:

Caspian Sea Environment National Report, [1998] , [I.R.Iran National Report], *op.cit.*

13. *Ibid.*, Global Ecological FUND, *op.cit.*

14. Global Ecological FUND, *op.cit.* Caspian Sea Environment National Report, [1998],
[I.R.Iran National Report], *op.cit.*

15. Global Ecological FUND, *op.cit.*

۱۶. طی ده سال ۱۹۸۷-۱۹۹۷ حدود ۱۰۰ میلیون تن نفت از بستر دریای خزر استخراج شد که حدود یک
میلیون تن آن با آب دریا مخلوط گشته است. نگاه کنید به: روشندل، پیشین، ص ۱۶.

۱۷. علی ماجدی، «منابع انرژی و انتقال آن از حوزه دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،
سال ششم، دوره سوم، شماره ۲۱ (بهار، ۱۳۷۷)، ص ۵۳، عباس عدل طباطبایی، «تأثیرات زیست‌محیطی
مواد زاید نفتی»، ترجمه سلاله حبیبی امین، در مؤسسه مطالعات دریای خزر، منابع نفت و گاز، دبیر مجموعه:
سهراب شهابی (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱)، ص ۶۸.

Energy Information Administration, "Caspian Sea Region", July 2002, *op.cit.*

۱۸. اسدی‌کیا، پیشین، ص ۴۰، دانه‌کار، پیشین، ص ۱۲۷؛

United States Energy Information Administration, "Caspian Sea Region: Environmental
Issues", April 2002, www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspenv.html[08.12.2002].

19. Global Ecological FUND, *op.cit.*

۲۰. نسرین محمدپور دریایی، «آلودگی نفتی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم،
دوره سوم، شماره ۲۸ (زمستان ۱۳۷۸)، ص ۵۷-۵۸.
۲۱. دانه‌کار، پیشین، ص ۱۲۳-۱۲۵.

22. Global Ecological FUND, *op.cit.*, Energy Information Administration, "Caspian Sea
Region: Legal Issues", *op.cit.*, Caspian Sea Environment National Report, [1998], [I.R.
Iran National Report], *op.cit.*

23. Global Ecological FUND, *op.cit.*, Energy Information Administration, "Caspian Sea
Region: Legal Issues", *op.cit.*, Caspian Sea Environment National Report, [1998],
[I.R.Iran National Report], *op.cit.*, Galine Godunova, "Massive Dieoff of Caspian Seals -
A Warning Sign for Human Beings, *Give & Take*, (A Journal on Civil Society in

Eurasia), Vol.3, Issue 4 (Winter, 2000), pp.12-14, at 12,13, www.isar.org/isar/GT10.pdf [08.13.2002].

۲۴. قاسم ملکی، «دریاچه آرال: بحران زیست محیطی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۶، (تابستان ۱۳۷۸)، ص ۵۸.

۲۵. محمدرضا عباسی ترکمانی، «آلودگی دریای خزر: لزوم احترام به قواعد بین‌المللی محیط زیست و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۷ (پاییز ۱۳۷۸)، ص ص ۶۹-۷۴.

26. Caspian Sea Environment National Report, [1998]. [I.R.Iran National Report], *op.cit.*, Global Ecological FUND, *op.cit.*

27. Energy Information Administration, "Caspian Sea Region: Legal Issues", *op.cit.*, United states Energy Information Administration, Caspian Sea Region: Environmental Issues, *op.cit.*, about the CEP, www.caspianenvironment.org/cep.htm [07.23.2002]; Caspian Sea Environmental issues, www.caspianenvironment.org/envissues.htm [07.23.2002]; about Programme Coordination Unit, www.caspianenvironment.org/Pcu.htm [07.23.2002].

28. Kinman, *op.cit.*, pp.7,9; Andrei Sheikin, "NGO Networks Coalesce to Aid Region Under Siege, Give & Take, (A Journal on Civil Society in Eurasia) Vol.3, Issue 4 (Winter, 2000), pp.10-11, www.isar.org/isar/GT10.pdf[08.13.2002].

29. Sheikin, *op.cit.*, p.10; Islam Mustafaev, "Independent Environmental Monitoring Along the Baku - Ceyhan Pipeline", *Give & Take, (A Journal on Civil Society in Eurasia) Vol.3, Issue 4 (Winter, 2000), pp.14-15, www.isar.org/isar/GT 10. pdf* [08.13.2002]; Golubov, *op.cit.*, p.18.

۳۰. نگاه کنید به: Golubov, *op.cit.* p.18.

31. *Ibid.*

32. Lisa Speer, "Environmental Groups Call for Ban on Beluga Caviar Trade", *Give & Take, (A Journal on Civil Society in Eurasia) Vol.3, Issue 4 (Winter, 2002), pp.16-17, www.isar.org/isar/GT10.pdf*[08.13.2002].